

پالرمو حکایت ۳هزار روز کشمکش سیاسی و دیپلماتیک در ایران

گام مهم دیپلماسی

مجمع تشخیص پس از ۹ سال بحث، با الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو
با شروطی موافقت کرد صفحه ۳

نشست هم‌اندیشی و هم‌نظری مدیران ادوار مختلف سازمان سینمایی از ابتدا تا کنون

همه مدیران سینما دور یک میز تاریخی

گام‌های اصلاحی وزارت ارشاد با تدوین برنامه راهبری به سینما رسید

صفحه ۴

گزارش هفت‌صبح از مولفه‌های شهرهای دوستدار کودک و جایگاه ایران در جهان

شهرهای بازیگوش ایران

در تبریز و اصفهان مجوزها در صورتی به تأیید شهر داری می‌رسد که حتماً با رویکرد کودک‌محور ساخته شود

صفحه ۹

گفت‌وگو با حامد بیدی، مدیر عامل «کارزار»

امضای آنلاین، قدرت نرم جامعه در برابر سیاست سخت

در شرایطی که اعتراض خیابانی پر هزینه‌تر از همیشه است، پلتفرم‌هایی مثل کارزار میدان جدید مطالبه‌گری شده‌اند

کارزارهایی مانند میانکاله و سیانت، نمونه‌های موفق تأثیرگذاری بر سیاست رسمی هستند

صفحه ۲



درباره مرگ دلخراش حمیدرضا در جاتی
عکاس با سابقه ورزشی که در پی نبود ایمنی
در پیست مسابقات اتومبیلرانی
قهرمانی کشور رخ داد

فریم آخر زندگی
حمیدرضا

● گاردیل‌های موجود در پیست بسیار ابتدایی، سخت و بدون سیستم جذب انرژی هستند و نه تنها ایمنی را تأمین نمی‌کنند بلکه خطر پرت شدن خودرو یا آسیب به تماشاگران را افزایش می‌دهند

● فضاهای فرار، موانع نرم‌کننده ضربه، حصارهای ایمنی برای عکاسان و مارشال‌ها و هشدارهای الکترونیکی که در پیست‌های استاندارد جهان وجود دارد، در پیست آزادی دیده نمی‌شود

صفحه ۱۱

کالای سازی فرهنگ و مصادره میراث اندیشه
در سایه نمایش و سلبریتی

بدون نویسنده

بدون متن، بدون معنا

کتابی که بیش از پنج دهه پیش منتشر شده است، با حضور
چهره‌های سینما امضا شد، بدون حضور نویسنده و بدون
نسخه‌ای تازه

صفحه‌های ۵، ۲ و ۱۲



پرسپولیس پس از ناکامی فصل جاری با لیست تازه‌ای
از بازیکنان و خروجی‌های بحث‌برانگیز وارد
نقل‌وانتقالات شده است

پوست اندازی به سبک کارताल

● نقل‌وانتقالات پرسپولیس شامل چهره‌های تازه
بین‌المللی و بحث‌برانگیز است

صفحه ۱۱

نزहत امیرآبادیان
صدای پرسش‌گر جامعه
خاموش شد صفحه ۹

روایت زندگی زنی که با تلاش و همدلی، رضایت شاکیان
را جلب و آزادی بیش از ۶۰۰ زندانی را رقم زد

۶۰۰ داستان زندگی

● آذر شهسواری ارتباط با خانواده‌های متهم و درک عمیق از وضعیت آن‌ها، کلید موفقیت من در جلب رضایت شاکیان است

● هیچ کدام از زندانیان آزاد شده توسط او دوباره به جرم بازنگشته‌اند

صفحه ۶



یادداشت اختصاصی ۲

توسعه ارتباطات، محرک اقتصاد دیجیتال ایران

حمید فتاحی
قائم مقام وزیر و رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

۲۷ اردیبهشت ماه و روز جهانی ارتباطات، فرصت مغتنمی است تا ظرفیت‌های بی‌نظیر حوزه ارتباطات را مرور و افق‌های پیش‌رو را برای نگاه مردم مطلوبیت لازم را ندارد، به‌نظر دور از دسترس می‌آید اما اراده مدیران در حوزه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری بر آن است تا با پی‌ریزی ستون‌های محکم در حوزه‌های زیرساختی، حذف مقررات دست و پاگیر، ماهواره، فراهم‌سازی دسترسی مطمئن، پایدار و با کیفیت برای همه ایرانیان چه در شهرها و چه در دورافتاده‌ترین نقاط کشور بوده است.

تلاش می‌کنیم هیچ خانه‌ای محروم از شبکه پهن‌بند و خدمات هوشمند باقی نماند تا همه هم‌وطنان بتوانند از ظرفیت‌های اشتغال، آموزش، بهداشت، دولت الکترونیکی و کسب‌وکار مبتنی بر فناوری بهره‌مند شوند. دستیابی به این مهم در روزهایی که به‌واسطه شرایط مختلف، کیفیت خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات هنوز در نگاه مردم مطلوبیت لازم را ندارد، به‌نظر دور از دسترس می‌آید اما اراده مدیران در حوزه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری بر آن است تا با پی‌ریزی ستون‌های محکم در حوزه‌های زیرساختی، حذف مقررات دست و پاگیر، واکگذاری منابع محدود ملی مانند فرکانس به فعالان حوزه ICT برای توسعه نسل‌های بالاتر شبکه ارتباطی، رسیدن به نقطه مطلوب را شتاب دهند. امروز در جایی از مسیر هستیم که به‌جز راه‌اندازی و گسترش شبکه‌های 5G که ظرفیت‌های بی‌نظیری در سرعت، تأخیر پایین و اتصال گسترده دستگاه‌ها فراهم می‌آورد و

نگاه کارشناس

اقتصاد ایران در مسیر بازگشت به نظم جهانی

حسین سلاحویری
رئیس سابق اتاق بازرگانی ایران

عزم آن دارد تا در کنار دیگر کشورها با جرایم سازمان‌یافته مبارزه کند، و جهه بین‌المللی کشور را ترمیم می‌کند و امکان خروج از فهرست سیاه FATF را نیز فراهم می‌آورد؛ فهرستی که مانند در آن، هزینه‌های زیادی را به اقتصاد ایران تحمیل کرده است.

تأسف‌بار است که این تصمیم حدود یک دهه به تأخیر افتاد. در این سال‌ها چه تغییری رخ داده که اکنون تصویب ممکن شده، اما پیش‌تر نشد؟ در این میان، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، صادرکنندگان و واردکنندگان و حتی شبکه

سرکار خانم سارا طالبی‌زاده

با نهایت تأسف و تأثر، درگذشت همسر گرامی‌تان، زنده‌یاد حمیدرضا در جاتی، عکاس پر تلاش، با سابقه و منعقد عرصه رسانه را تسلیت عرض می‌کنیم. بی‌تردید فقدان ایشان نه تنها برای خانواده و نزدیکان بلکه برای جامعه رسانه‌ای کشور ضایع‌ای ستکین و جبران‌ناپذیر است. یاد و خاطره سال‌ها تلاش صادقانه‌اش در ثبت لحظه‌های ناب ورزش و زندگی همواره در ذهن‌ها و دل‌ها باقی خواهد ماند. در این اندوه بزرگ، صمیمانه با شما و خانواده محترم‌تان ابراز همدردی می‌کنیم و از درگاه خداوند متعال، برای آن عزیز از دست‌رفته، آمرزش و آرامش ابدی و پری شما و یازمان‌گان محترم، صبر، شکیبایی و تسلاای دل مسئلت داریم.

روزنامه هفت صبح

صدای پرسش‌گر جامعه خاموش شد

درگذشت نابهنگام نزहत امیرآبادیان، روزنامه‌نگار پر تلاش و صدای پرسش‌گر عرصه سیاست، اندوهی سنگین بر دل جامعه رسانه‌ای کشور نشاند.

او با تعهد، دقت و دغدغه‌مندی، سال‌ها در رسانه‌هایی چون «شرق»، «فرارو»، «آسمان» و «آفتاب» قلم زد و رد صداقتش را در خبر و تحلیل به‌جا گذاشت. این ضایعه دردناک را به خانواده گرامی ایشان، همکاران رسانه‌ای و همه دوستداران آگاهی و حقیقت‌طلبی تسلیت می‌گوییم.

یادش گرامی، راهش روشن.

روزنامه هفت صبح

یادداشت اختصاصی ۱

مجمع تهران ۲۵/۲۰: الگویی منطقه‌ای برای مسائل جهانی

سعید خطیب‌زاده
معاون وزیر و رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه

شکست طرح‌های امنیتی وارداتی به رهبری آمریکا، ضرورت طراحی الگوهای بومی را آشکار ساخته است. مجمع تهران بر گفت‌وگو به مثابه پیش‌نیاز اعتمادساز تأکید کرده و می‌کوشد چارچوبی مبتنی بر توازن قوا و منافع مشترک پیشنهاد دهد. هرچند اختلافات تاریخی اجرایی این ایده را دشوار می‌کند، اما نفس مطرح شدن آن در یک رویداد بین‌المللی، گامی رو به جلو محسوب می‌شود.

مجمع گفت‌وگوی تهران ۱۴۰۴ را باید در چارچوبی بزرگ‌تر، یعنی ظهور «دیپلماسی پساغربی» تحلیل کرد که در آن، کشور‌های غیر غربی می‌کوشند بدون طرد کامل نظام بین‌المللی موجود، وزنه‌ای موازی برای تعادل قوا ایجاد کنند. آن‌چه در دو روز گفت‌وگوهای مجمع خواهد گذشت، تلاش می‌شود تا با فراتر رفتن از دوگانه درگیری در مقابل تسلیم، عاملیت منطقه‌ای می‌تواند (بی‌نظمی) جهانی را بازتعریف کند - نه از طریق انزوا، بلکه از طریق تعامل استراتژیک که سلسله مراتب منسوخ را به چالش می‌کشد و در عین حال همکاری عمل‌گرایانه را تقویت می‌کند. این نه تنها یک تمرین آکادمیک است، بلکه گفت‌وگویی ضروری برای کسانی است که متعهد به آینده‌ای هستند که در آن غرب آسیا نه میدان نبرد و نه یک تماشاگر، بلکه بازیگری تعیین‌کننده در شکل‌دهی فصل بعدی جهان باشد.

دستیابی به چنین اهدافی که مجمع گفت‌وگوی تهران دنبال می‌کند، مستلزم برنامه‌ریزی استراتژیک و انباشت تجربه است. مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران با بهره‌گیری از درس‌های دوره‌های پیشین و با اتکا به زیرساخت فکری و عملیاتی خود تلاش کرده تا الگوهای بومی برای پرداختن به موضوعات حساس منطقه‌ای و جهانی ایجاد نماید. این تداوم تاریخی، مجمع را از یک کنفرانس مقطعی به نهادی تأثیرگذار با حافظه نهادی تبدیل کرده که قادر است گفت‌وگوها را در چارچوبی ملهم از تجارب گذشته پیش ببرد. به این منظور، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران، ضمن انجام برنامه‌ریزی‌های وسیع، جمع‌برجسته‌ای از جمله وزرای امور خارجه و مقامات سیاسی، نمایندگان اندیشکده‌ها و موسسات دانشگاهی را به خود جذب کرده است. مجمع گفت‌وگوی تهران میزبان بیش از ۲۰۰ هیأت و میهمان ارشد بین‌المللی شامل وزرای خارجه کشور‌های منطقه، فرستادگان ویژه دولت‌ها و شخصیت‌های ممتاز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر از سراسر جهان است که این مشارکت متنوع، نقش آن را به عنوان بستری کلیدی برای شکل‌دهی به مباحث سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی برجسته می‌کند.

تحوالات ژئوپلیتیک معاصر، نقشه قدرت در جهان و به تبع آن در مناطق مختلف را از بنیان دگرگون ساخته است. به صورت مشخص دهه دوم قرن بیست و یکم، جهان شاهد زوال تدریجی نظام بین‌المللی مبتنی بر هژمونی غرب بوده و همچنان خواهد بود. تشدید رقابت چین و آمریکا، جنگ اوکراین و نسل‌کشی جاری در غزه، ناکارآمدی نهاد‌های چندجانبه، فضای برای ظهور بازیگران مستقل منطقه‌ای ایجاد کرده است. جنگ طولانی غزه و ناتوانی جامعه بین‌الملل در مهار آن، آخرین میخ بر تابوت راه‌حل‌های امنیتی قرن بیستمی بود. این بحران ثابت کرد که مدل‌های قدیمی مبتنی بر تحریم، مداخله نظامی، یا دیکته کردن راه حل از بیرون، نه تنها کارآمد نیستند، بلکه به تشدید شکاف‌ها دامن می‌زنند.

به این ترتیب با ظهور چشم‌اندازی از تغییر در میان بازیگران سنتی در نظام بین‌الملل، پرسش‌های بنیادینی درباره آینده آن و جایگاه کشور‌ها مطرح شده است. در این میان غرب آسیا که دهه‌ها عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ بود، اکنون در حال پوست‌اندازی است: از مذاکرات امنیتی ایران و عربستان تا عملیات طوفان الاقصی گرفته تا نقش‌آفرینی عمان و قطر در میانجیگری بحران‌ها، نشان می‌دهد که کشور‌های منطقه دیگر تمایلی به ایفای نقش منفعل ندارند. ابتکاراتی مانند توافق احیای روابط ایران و عربستان، الگویی نو از «راه‌حل‌های منطقه‌ای برای چالش‌های منطقه‌ای» ارائه داده است.

در قلب این تحولات، مجمع گفت‌وگوی تهران که ابتکار مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه بر گزار می‌گردد، به عنوان نهادی پیشرو در حال شکل‌دهی به گفت‌وگویی بدیل است. در این دور از گفت‌وگوها تلاش می‌شود تا عاملیت کشور‌های منطقه را در شکل‌دهی به معادلات بین‌المللی به بحث گذاشته شود. این مجمع که با عنوان «عاملیت منطقه‌ای در نظم آشفته جهانی: کشمکش یا وقاف» برگزار می‌شود، نه تنها می‌کوشد تا به بازتعریف نقش غرب آسیا در جهان بپردازد، بلکه چشم‌اندازی از دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی بدون وابستگی به قدرت‌های فرامطه‌ای ارائه می‌دهد. این مسیری است که سنگ بنای آن سال‌ها پیش گذاشته شده است و به دنبال آن است تا با گردآوردن نمایندگان از دولت‌ها، اندیشکده‌ها و نهاد‌های آکادمیک از کشور‌های مختلف، زمینه‌ای برای شنیده شدن صداهای حاشیه‌ای فراهم کند. این چندصدایی، به ویژه در بحث امنیت خلیج فارس و مدیریت بحران‌های انرژی، امکان خروج از بن‌بست‌های دیپلماتیک را فراهم آورده است.



یادداشت

کالایی‌سازی فرهنگ و مصادره میراث اندیشه در سایه نمایش و سلبریتی

امضای غایب



بابک نبی
دبیر سرویس سیاست



در حاشیه‌ی سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، مراسمی با حضور عوامل سریال «سروشون» جتجالی شد، نه به خاطر آنچه گفته شد، به خاطر آنچه امضا

شد. در غرفه انتشارات خوارزمی، نشستنی با موضوع اقتباس ادبی از رمان «سروشون» برگزار شد. نرگس آبیاری، کارگردان سریال و بهنوش طباطبایی، بازیگر نقش «زری» در کنار جمعی از نویسندگان و منتقدان در این رویداد حضور داشتند. ماجرا از جایی شروع شد که برخی منتقدان در فضای مجازی

مدعی شدند این دو هنرمند کتاب «سروشون» را امضا کرده‌اند. ادعایی که خشم برخی دوستداران ادبیات را برانگیخت. عده‌ای این کار را سوءاستفاده از نام و میراث سیمین دانشور دانستند و آن را نوعی مصادره فرهنگی تلقی کردند. اسدالله امرایی، مترجم و روزنامه‌نگار شناخته‌شده، با انتشار پستی طعنه‌آمیز در فضای مجازی، نوشت: «زوری حکیم انوری در بازار بلخ می‌گذشت. هنگام‌های دید، پیش رفت و سری در میان کرد. مردی دید که ایستاده و قصاید انوری به نام خود می‌خواند و مردم او را تحسین می‌کردند. انوری پیش رفت و گفت: «ای مرد! این اشعار کیست که می‌خوانی؟» گفت: «اشعار انوری.» گفت: «تو انوری را می‌شناسی؟» گفت: «چه می‌گویی؟» انوری بحث‌پدید و گفت: «شعر دزد شنیده بودم اما شاعر دزد ندیده بودم. فقط حیف که سیمین دانشور نیست این هنگامه را ببیند. حیف سیمین دانشور، حیف انتشارات خوارزمی.» البته که عوامل سریال گفته‌اند که کتاب‌ها را امضا نکردند و در اصل کارت‌پستال‌هایی از چهره شخصیت‌های سریال را امضا کرده‌اند. حالا گذشته از آنچه رخ داده است، در روزگاری که مرز میان فرهنگ و سیاست هر روز کمرنگ‌تر می‌شود، ممکن است شاهد رخدادهایی باشیم که در نگاه اول تنها یک رویداد ساده تبلیغاتی یا برنامه‌ای فرهنگی به نظر برسد اما در واقعیت نشانه‌ای جدی از بحران عمیق هویت فرهنگی و معنایی جامعه است. مراسمی که پنجشنبه گذشته در حاشیه نمایشگاه کتاب تهران بر گزار شد، یکی از همین لحظات بود. جشنی برای کتاب «سروشون» نوشته زنده‌یاد سیمین دانشور اما بدون حضور نویسنده و حتی بدون کوچک‌ترین نسبتی با جهان فکری او، نکته دیگر اینکه جلد جدید کتاب نه به عکس نویسنده که با تصویر دو تن از بازیگران سریال اقتباسی «سروشون» منتشر شد و همین امر، به‌وضوح مرز میان کتاب و نمایش، اندیشه و تصویر را بیش از پیش مخدوش ساخت. در این مراسم، نرگس آبیاری کارگردان سریال و بهنوش طباطبایی یکی از بازیگران نقش‌های اصلی حاضر شدند و کارت‌پستال‌های کتاب را به نام خود امضا کردند. امضایی که قرار بود به سستی فرهنگی مشروعیت ببخشد اما در واقع امضای غایب نویسنده و غیبت اندیشه بود.

❖ از امضای کتاب تا کالایی‌سازی معنا

در سنت فرهنگی ایران مراسم امضای کتاب همیشه لحظه‌ای شریف و منحصر به فرد میان نویسنده و مخاطب بوده، جشنی برای پیوند ذهن و اثر، نقطه تاقی پرسش و اندیشه. امضای نویسنده روی کتاب، صرفاً یک یادگاری ساده نیست، گواهی بر اصالت و ارتباط زنده میان خالق و خواننده است. البته که همین سنت به ابزاری نمایشی برای تبلیغات، مشروعیت‌بخشی به چهره‌ها و جذب توجه رسانه‌ها تبدیل شده است. انتشارات خوارزمی که زمانی پناهگاه آثار جدی و پایگاه گفت‌وگوهای اصیل فرهنگی بود، حالا میزبانی چنین رویدادهایی را برعهده می‌گیرد. کتابی که روی جلدش دیگر نشانی از سیمین دانشور یا حتی فضای ذهنی رمان نیست، بلکه عکس‌های بازیگران سریال نقش بسته‌اند. اینجا نه کتاب پهناور است و نه حتی نویسنده در مرکز توجه، همه چیز برای نمایش و برندینگ است؛ حتی کارت‌پستال‌های همراه کتاب نیز به جای دستخط نویسنده، امضای بازیگر و کارگردان را بر خود دارند، تا به‌وضوح روشن شود که ما با «کالایی‌سازی» فرهنگ مواجهیم.

❖ سلبریتی محوری؛ بحران معنا و زخم فرهنگ

این اتلافی‌الته محدود به این مراسم خاص نیست. سال‌هاست که سلبریتی‌سازی در فرهنگ و حتی سیاست، جای اندیشه و اصالت را گرفته است. چهره‌ها در مرکز توجه‌اند، نه خالقان اثر و حاملان اندیشه. در این منطق، کتاب هم به کالایی تبدیل می‌شود برای مصرف سریع، برندینگ و حتی بازار گرایی؛ نه حامل نقد و تفکر. سریال «سروشون» که به کارگردانی نرگس آبیاری ساخته شد، پیش از این هم حاشیه‌هایی چون تخریب بخش‌هایی از بافت تاریخی شیراز را به دنبال داشت و اعتراض گسترده فعالان فرهنگی و میراثی را برانگیخت. حالا همان گروه تولید با حضوری پررنگ در نمایشگاه کتاب و مراسم امضایی که بیش از آنکه به ادبیات وفادار باشد، به نمایش رسانه وفادار است، سعی می‌کند روایت فکری او، حالا نه برای گفت‌وگو و نقد، برای میراث فرهنگی یا نقدهای اجتماعی پاسخی داده شود. در این بازی، پلتفرم‌هایی چون نماوانیز نقشی اساسی دارند. آنها با سرمایه‌گذاری و حمایت تبلیغاتی از پروژه‌هایی این چنین، مرز میان ادبیات، نمایش و بازار را هر روز کمرنگ‌تر می‌کنند. آیا هدف فقط جذب مخاطب و سودآوری است یا قرار است مسئولیتی در قبال هویت فکری و ادبی جامعه نیز پذیرفته شود؟ تبلیغ این پلتفرم‌ها، حبس از اعتراضات و انتقادات گسترده، سؤال‌های جدی درباره مسئولیت اجتماعی و فرهنگی‌شان ایجاد کرده است.

❖ خوارزمی و مصادره سرمایه فرهنگی

انتشارات خوارزمی با پیشینه‌ای پرپار در نشر آثار ادبی و فکری، اکنون خود به ابزاری برای بازتولید سرمایه نمادین بدل شده است. جایی که زمانی برای رشد گفت‌وگوهای انتقادی و استقلال فرهنگی اهمیت قائل بود، حالا به ماشینی برای برندسازی چهره‌ها تبدیل شده است. حتی نام سیمین دانشور نیز در این بازی، تنها ابزاری برای جلب توجه رسانه‌ای شده است. میراث فکری او، حالا نه برای گفت‌وگو و نقد، برای مصرف سریع و مشروعیت‌بخشی به پروژه‌های نمایشی به کار می‌رود. در فضایی که سیاست‌زدگی و نمایش، همه چیز را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند، محتوا به کلی قربانی فرم می‌شود. کتاب، دیگر نه حامل اندیشه که ابزاری برای نمایش، مصرف و بازار گرایی است. مراسم امضای کتاب توسط کسی جز نویسنده، آن‌هم وقتی سال‌هاست نویسنده در گذشته، نشانه‌ای تلخ از بحران هویت فرهنگی و جدایی اثر از خالق آن است.

❖ سیاست، بازار و بحران اعتماد

آنچه این روزها در حوزه کتاب و فرهنگ رخ می‌دهد، چیزی فراتر از سطحی شدن سلیقه‌هاست؛ نشانه‌ای از زایل‌نمایی سیاست در کسوت فرهنگ و مصرف. مراسم‌های نمایش، استفاده ابزاری از تصویر بازیگران روی جلد کتاب و امضای کارت‌پستال‌ها توسط چهره‌های رسانه‌ای، همگی نشانه‌ای از بازی با هویت ملی و زخم زدن بر پیکره اعتماد فرهنگی جامعه‌اند. سیمین دانشور و وزیر گانی چون، آویز نیاز از امضای دیگران دارند. آنچه باید امضا شود، نه کارت‌پستال یک سریال یا جلد کتابی مزین به عکس بازیگران که تعهد ما به اصالت فرهنگ و حفظ حرمت میراث فکری است. این بحران، فقط بحران فرم و رسانه نیست. بحرانی است که اگر ادامه یابد، سرمایه اجتماعی و فرهنگی را برای همیشه دچار خدشه خواهد کرد. به صراحت باید گفت که نمایش و کالایی‌سازی فرهنگ، پاسخ مناسبی به بحران مشروعیت و اعتماد عمومی نیست؛ بلکه زخم تازه‌ای را به بدن فرهنگ، آنچه باید بر جسته شود، بازگشت به اندیشه و نقد، وفاداری به اصالت اثر و احترام به خالقان واقعی است؛ نه نمایش و بازتولید چهره‌ها و مصرف سریع معنا. سروشون و سیمین دانشور، بیش از هر چیز، به یادآوری این حقیقت نیاز دارند.

گفت‌وگو با حامد بیدی، مدیرعامل «کارزار»

امضای آنلاین؛ قدرت نرم جامعه در برابر سیاست سخت

- در شرایطی که اعتراض خیابانی پرهزینه‌تر از همیشه است، پلتفرم‌هایی مثل کارزار میدان جدید مطالبه‌گری شده‌اند
- کارزارهایی مانند میانکاله و صیانت، نمونه‌های موفق تاثیرگذاری بر سیاست رسمی هستند

محمد حاجی مومنی | در زمانی که خیابان به یک خاطره پرهزینه بدل شده و اعتراضات مدنی پشت دیوارهای فیلترینگ و احکام قضایی گیر کرده‌اند، ظهور پلتفرم‌هایی چون «کارزار» نقطه عطفی در مناسبات قدرت و جامعه به‌شمار می‌رود. این پلتفرم، با عبور از واسطه‌های کلاسیک، مطالبه‌گری را دیجیتالیزه کرده و بستتر نوینی برای بازتعریف نسبت مردم و حاکمیت فراهم آورده اما آیا این ابزار، معادلات قدرت را به سود جامعه بازنویسی می‌کند یا صرفاً تخلیه‌ای برای ناراضیانی است؟ تجربه‌ای که در دل شرایط خاص جامعه ایران شکل گرفته و اکنون با میلیون‌ها امضا، به یکی از جریان‌سازترین ابزارهای مطالبه‌گری عمومی بدل شده است. در گفت‌وگو با حامد بیدی، مدیرعامل کارزار، از پیچیدگی‌های این پارادایم تازه و چالش‌های آینده سخن گفتیم.

شما با راه‌اندازی «کارزار»، گونه‌ای از دموکراسی دیجیتال را به جامعه ایران معرفی کرده‌اید. به نظر شما، ظرفیت مشارکت مدنی آنلاین در ایران تا چه اندازه بالفعل شده؟
بیدی در پاسخ به این پرسش، ابتدا به یک سوءتفاهم رایج درباره مفهوم دموکراسی دیجیتال اشاره می‌کند: «درست است که ابزارهایی چون کارزار می‌توانند به شکل‌گیری یک دموکراسی پایدارتر کمک کنند اما باید توجه داشت که هدف چنین پلتفرم‌هایی تنها رأی‌گیری و نمایش نظر اکثریت نیست. در واقع، کارزار محملی است برای شنیده شدن صدای گروه‌های مختلف مردم، فارغ از اینکه در اقلیت باشند یا اکثریت. اینجا قرار نیست ایده‌ای به رأی گذاشته شود تا فقط گزینه برنده اعتبار بگیرد؛ اینجا هر صدایی اهمیت دارد، چون پشت هر صدا یک مطالبه عمومی یا شخصی وجود دارد.»

آیا جامعه ایران آمادگی کنشگری مدنی آنلاین را دارد؟

به باور بیدی، مسئله آمادگی در اینجا چندان مطرح نیست. از نگاه او، جامعه همواره آماده شنیده شدن بوده و هست؛ مسئله، فقدان بستترهای لازم برای ابراز امن و مؤثر این صداهاست: «اینجا قرار نیست جامعه برای مشارکت مدنی آنلاین آماده شود؛ پلتفرم‌هایی مثل کارزار، در اصل ابزارهای جدیدی هستند که قدرت چانه‌زنی شهروند را افزایش می‌دهند. آنچه اهمیت دارد، این است که این ابزارها قدرت اجتماعی مردم را در برابر قدرت سیاسی بالا می‌برند و این مسیر است که می‌تواند به آزادی و دموکراسی پایدار منته شود.»



در شرایط امروزی جامعه ایرانی، آیا کارزار جای اعتراض خیابانی را گرفته است؟

این پرسش با تأملی جدی از سوی بیدی مواجه می‌شود. او چنین دیدگاهی را کمی ساده‌انگارانه می‌داند: «کارزار جایگزین هیچ شکل دیگری از اعتراض نیست. کارزار تنها یک ابزار جدید به ابزارهای در دسترس شهروندان اضافه می‌کند؛ به خصوص در شرایطی که روش‌های امن، مدنی و خشونت‌رهیز برای اعتراض در ایران بسیار محدود هستند. طومارنویسی، عرضه‌نویسی و حالا جمع‌آوری امضای آنلاین، همه روش‌هایی هستند که مردم برای ابراز نارضایتی به کار می‌گیرند. او یادآور می‌شود که در غیاب احزاب مؤثر، سازمان‌های مردم‌نهاد فعال یا رسانه‌های آزاد، ابزارهایی مانند کارزار می‌توانند خلأ موجود را تا حدی پر کنند و از بروز نارضایتی‌های رادیکال جلوگیری نمایند.

برخی معتقدند چنین پلتفرم‌هایی به ابزار مهار نارضایتی بدل می‌شوند؟

یکی از انتقادات جدی به پلتفرم‌هایی نظیر کارزار، تبدیل شدن‌شان به درجه‌های تخلیه روانی جامعه و نهایتاً ابزار کنترل اعتراضات است. بیدی این مسئله را وابسته به رفتار حکومت می‌داند: «کارزار به مهار اعتراضات کمک نمی‌کند یا به تشدید آن بینجامد، بستگی به نوع پاسخ‌دهی حاکمیت دارد. اگر هزاران نفر که پای یک مطالبه امضا می‌گذارند، پاسخ محترمانه، اقناعی و معنادار دریافت کنند، نتیجه‌اش افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش احتمال اعتراضات خیابانی خواهد بود. اما اگر با مسدودسازی، تهدید یا بی‌اعتنایی مواجه شوند، این نارضایتی نه فقط باقی می‌ماند که در ادامه به اشکال شدیدتر و پرخطرتری بروز خواهد کرد.»

آیا این کمپین‌ها توانسته‌اند مسیر سیاست‌گذاری را تغییر دهند؟

بیدی معتقد است ارزیابی تأثیر کارزارها باید در دو سطح انجام شود: سطح خرد و سطح کلان. «در سطح خرد، بسیاری از کارزارها موفق بوده‌اند. به‌ویژه کارزارهای محلی که خواست عمومی را منعکس کرده و به نتیجه هم رسیده‌اند. چه در زمینه ساخت‌وسازهای غیراصولی، چه در حوزه آموزش، محیط زیست یا خدمات شهری.» اما مهم‌تر از نتایج فردی هر کارزار، به باور بیدی، تأثیر کلی پلتفرم بر ساختار قدرت در کشور است: «وقتی بیش از ۴۷ میلیون امضا در پلتفرمی جمع می‌شود، این پیام را به تصمیم‌گیرندگان می‌رساند که افکار عمومی نادیده‌گرفته نیست. این باعث محافظه‌کاری بیشتر نسبت به سیاست‌هایی می‌شود که ممکن است حقوق مردم را تهدید کند. همین حالا بسیاری از نهادهای حکومتی ناگزیر شده‌اند که برای تصمیم‌گیری، حداقل افکار عمومی را در نظر بگیرند.»

نمونه‌ای مشخص از تغییر سیاست به واسطه کارزارها وجود دارد؟

پاسخ بیدی روشن است. او از کارزار مخالفت با احداث پتروشیمی در میانکاله یاد می‌کند که به گفته او، «منجر به دستور مستقیم ریاست‌جمهوری و توقف پروژه‌ای با هزاران میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شد.» او همچنین به تجربه موفق حفظ خانه‌های تاریخی شیراز اشاره می‌کند و در نهایت، از کارزار مخالفت با طرح صیانت می‌گوید که با جمع‌آوری نزدیک به ۱.۲ میلیون امضا، باعث شد بررسی آن در مجلس متوقف شود: «حتی اگر بعدها این طرح به‌صورت غیررسمی اجرایی شده باشد، تأثیر آن کارزار در تعلیق موقت، ایجاد فشار رسانه‌ای و جلب توجه افکار عمومی انکارناپذیر است.» در ادامه بیدی با تأکید بر اینکه «هیچ ابزار مطالبه‌گری به تنهایی کافی نیست»، باور دارد که «کارزارها توانسته‌اند فضای تازه‌ای برای کنش مدنی باز کنند؛ فضایی که اگر جدی گرفته شود، می‌تواند منجر به دموکراسی شنواتر و جامعه‌ای پویاتر شود.»

باتوجه به بی‌اعتمادی گسترده در جامعه توانستید در حوزه حریم خصوصی موفق عمل کنید؟

اعتماد، در هر پلتفرم کاربرمحور، سرمایه‌ای حیاتی است؛ اما در ایران، به‌ویژه در زمینه‌هایی که رنگ‌وبوی مطالبه‌گری و اعتراض دارد، این اعتماد شکننده‌تر از همیشه است. بیدی می‌گوید: «یجاد این اعتماد، یکی از دشوارترین کارهایی بود که در این هفت، هشت سال تلاش کردیم محقق کنیم. مردم نسبت به بسیاری از پلتفرم‌ها، حتی پیام‌رسان‌ها هم بی‌اعتماد هستند. پس اینکه بیش از ۱۰ میلیون نفر به کارزار پیوسته‌اند، برای ما یک دستاورد مهم بوده است.» نکته جالب، شفافیت کامل در نمایش نام‌هاست. امضاها در کارزار پنهان نیستند؛ مانند طومارهای سنتی، هر کسی با نام حقیقی خود پای مطالبه‌ای را امضا می‌کند. «برخلاف تصور، امکان امضای مخفی یا کارزار ناشناس را فراهم نکردیم، چون معتقدیم این باعث تضعیف قدرت اجتماعی کارزار می‌شود. همانطور که در گذشته طومارها اعتبار خود را از امضا‌های قابل ردگیری می‌گرفتند، امروز هم شفافیت و جسارت در مطالبه‌گری، نقطه اتکای ماست.»

برخی کمپین‌ها احساسی یا بی‌پایه‌اند؛ پلتفرم چطور با آنها برخورد می‌کند؟

بیدی در برابر این سؤال، روی مرز مشخصی بین قضاوت و مدیریت تأکید دارد: «ما در کارزار به هیچ عنوان قضاوت نمی‌کنیم که کدام کارزار عقلانی یا کارشناسی شده است. کارزار بستری برای انعکاس صدا‌های متنشر جامعه است؛ نه شورایی برای تشخیص صلاحیت افکار عمومی. حتی کارزارهایی منتشر می‌شوند که کاملاً بی‌دیدگاه‌های تیم ما یا جامعه کارشناسی در تعارض هستند.» او ادامه می‌دهد: «برخی کارزارها احساسی هستند، برخی بر پایه اطلاعات ناقص، اما نکته اینجااست که اگر چنین کارزاری بتواند همراهی هزاران نفر را جلب کند، یعنی دغدغه‌ای واقعی در جامعه وجود دارد. در این صورت، بهترین پاسخ این است که ذی‌نفعان یا کارشناسان وارد شوند و با انتشار پاسخ رسمی، روشنگری کنند.» در پلتفرم کارزار، این امکان وجود دارد که پاسخ کارشناسی که به یک کارزار داده شود، برای تمام امضاکنندگان آن ارسال می‌شود و در صفحه مربوطه نیز درج می‌گردد. بیدی این را یک «مکانیسم مدنی برای پالایش فضای عمومی» می‌نامد: «جازه دادن به بیان صدا‌های مختلف، حتی اگر ناقص یا ناپخته باشند، بهتر از سانسور و سرکوب است. چون از دل همین تضارب‌اراء، آگاهی جمعی رشد می‌کند و نگاه کارشناسی نیز فرصت دیده‌شدن می‌یابد.»

پلتفرم کارزار، مرز میان آزادی بیان و مسئولیت را چگونه ترسیم کرده؟

در شرایطی که هیچ معیار رسمی میزان آزادی بیان در فضای مجازی وجود ندارد، کارزار تلاش کرده با رعایت خطوطی روشن، درگیر تنش‌های حقوقی یا امنیتی نشود. بیدی تأکید می‌کند: «ما ما‌مأموریت خود را نه در داوری درباره درستی یا نادرستی صدا‌ها که در ایجاد فضایی ایمن، مسئولانه و در عین حال آزاد برای شنیده شدن این صدا‌ها تعریف کرده‌ایم. به همین خاطر، هیچ فیلتر محتوایی ذهنی یا اعتقادی به کار نمی‌بریم، مگر در مواردی که الزامات قانونی یا قضایی ما را مجبور کند.» او در نهایت این نکته را یادآور می‌شود که کارزار، نه تربیونی برای جریان خاص فکری یا سیاسی که رسانه‌ای جمعی برای مطالبه عمومی است؛ رسانه‌ای که هرچند با چالش‌های بزرگ مواجه است اما با اتکا به صداقت، شفافیت و پایداری، توانسته در دل یک جامعه آسیب‌دیده، جایی برای امید و اثرگذاری باز کند.

آینده‌ای میان فیلترینگ و فناوری: کارزار در خط مقدم مطالبه‌گری دیجیتال

در واپسین بخش گفت‌وگو ما با حامد بیدی، سراغ پرسش‌هایی رفتیم که ذهن بسیاری از فعالان مدنی و کاربران اینترنت در ایران را به خود مشغول کرده است: آینده مطالبه‌گری دیجیتال در شرایط محدودیت، فیلترینگ، گرانی اینترنت و مهاجرت، پاسخ‌ها، هم تلخ‌اند و هم امیدوارکننده.

فشارهای فنی و سیاسی بر فعالیت «کارزار» چه اثری گذاشته‌اند؟

بیدی با صراحت از بزرگ‌ترین بحران این پلتفرم می‌گوید: «هم‌ترین تهدیدی که با آن مواجه هستیم، محدودیت آزادی بیان است. هرقدر سیاست‌گذاران با روی گشاده‌تری با نظرات انتقادی، کارزارهای اعتراضی و مطالبات اجتماعی برخورد کنند، ظرفیت کارزار برای نقش‌آفرینی بالا می‌رود. اما اگر با رویکرد سلبی و تهدیدمحور، مانند حذف پیاپی کارزارهایی که صدا‌ها را امضا دارند، برخورد شود، نه فقط اعتماد عمومی از بین می‌رود که کارآمدی پلتفرم هم تضعیف خواهد شد.» او هشدار می‌دهد که این فشارها مردم را به سمت روش‌های جایگزین مطالبه‌گری سوق می‌دهد؛ روش‌هایی که لزوماً مدنی، امن یا قابل مدیریت نیستند.

آیا فیلترینگ و اختلال اینترنت، آینده کارزار را تهدید می‌کند؟

پاسخ بیدی روشن است: بله! اما نه برای همیشه. «فیلترینگ ادامه همان نگاه امنیتی به صدای مردم است. وقتی دسترسی محدود می‌شود، نه فقط کارزار که هر پلتفرم دیگری نیز در معرض آسیب قرار می‌گیرد. اما فناوری، ماهیتی سیال و گریزناپذیر دارد. حتی اگر کارزار مسدود شود، فناوری‌های متن‌باز، اینترنت نامتمرکز، شبکه‌های اجتماعی توزیع‌شده و پلتفرم‌های مستقل خارج از کنترل دولت‌ها، در نهایت امکان ادامه این مسیر را فراهم می‌کنند.» او «پیروزی اجتناب‌ناپذیر فناوری‌های مدنی» سخن می‌گوید: «تاریخ نشان داده که فناوری، دیر یا زود بر محدودیت‌ها غلبه می‌کند. ابزارهای مشارکت آنلاین با روش‌های نوین برمی‌گردند، شاید در قالبی دیگر، شاید با تیمی دیگر، اما ماهیت مطالبه‌گری متوقف نخواهد شد.»

گران شدن اینترنت؛ ضربه‌ای به مشارکت مدنی؟

در هفته‌های اخیر، بحث گرانی اینترنت بار دیگر داغ شده است. اپراتورها نامه‌ای منتشر کرده‌اند که خبر از افزایش زیاد تعرفه‌ها را می‌دهد. بیدی این روند را نگران‌کننده می‌داند: «افزایش قیمت اینترنت مستقیماً به افزایش شکاف دیجیتال منجر می‌شود. در حال حاضر هم تفاوت قیمت ترافیک داخلی و بین‌المللی، سیاستی اشتباه بوده که بخش‌هایی از جامعه را از دسترسی به اطلاعات به‌روز و ابزارهای جهانی محروم کرده. حالا اگر اینترنت گران‌تر شود، طبقات کم‌درآمد از کنش مدنی آنلاین هم حذف می‌شوند.» او به عواقب اجتماعی این روند هشدار می‌دهد: «یکی از نتایج این محدودیت‌ها، شکل‌گیری حباب‌های بسته در پلتفرم‌های داخلی است؛ پلتفرم‌هایی که تکثر فکری را نمایندگی نمی‌کنند. حتی پلتفرمی مانند کارزار که به نوعی یک ابزار داخلی محسوب می‌شود، از این موضوع آسیب می‌بیند. چرا که محدود شدن دسترسی، تکثر را مخدوش می‌کند و مشارکت را از قشرهای مختلف جامعه می‌گیرد.» با این حال، او نیم‌نگاهی به آینده دارد: «اگرچه در کوتاه‌مدت، این سیاست‌ها مضرند اما در بلندمدت، روند جهانی به سمت اینترنت آزاد، ارزان و غیرمتمرکز است. پروژه‌هایی مثل اینترنت ماهواره‌ای در حال گسترش‌اند و به تدریج در دسترس عموم قرار می‌گیرند. شاید همین فشارها، انگیزه‌ای برای مهاجرت به این بسترهای جدید هم باشد.»

محبوب‌ترین و پربازدیدترین کارزارهای سال اخیر کدام بوده‌اند؟

در پایان گفت‌وگو، از بیدی خواستیم تا نگاهی به آمار و ارقام بیندازد. «در سال ۱۴۰۴، یکی از پربازدیدترین و سریع‌ترین کمپین‌های ما، مربوط به درخواست لغو اعدام امیر تئلو بود. در عرض سه روز، این کارزار بیش از ۵۷۰ هزار امضا جمع کرد، با حمایت گسترده هواداران این خواننده و برخی چهره‌های مشهور اما متأسفانه با دستور قضایی، این کمپین مسدود و سپس حذف شد. اگر ادامه پیدا می‌کرد، قطعاً می‌توانست رکوردهای بیشتری بشکند.» با این حال، بیدی تأکید دارد که سنجه اصلی موفقیت، فقط تعداد امضا نیست: «در حوزه‌های محلی، صنفی و اجتماعی، بسیاری از کارزارها بدون اینکه لزوماً میلیونی باشند، اثرگذاری واقعی داشتند. کمپین‌های مربوط به بازنشستگان، پرستاران و معلمان از جمله همین مواردند. آنچه برای ما مهم‌تر است، اثرگذاری نهایی در جامعه است؛ تغییری که ایجاد می‌شود، گفت‌وگویی که راه می‌افتد و صدایی که شنیده می‌شود.» در پایان این گفت‌وگو، شاید بتوان گفت پلتفرم «کارزار» صرفاً یک راه‌حل نهایی نیست و بخشی از راه است؛ آنچه در دل کارزار و روایت‌هایش موج می‌زند، اشتیاق جامعه ایرانی به شنیده شدن و مشارکت در سرنوشت جمعی است. آینده این مسیر وابسته به پویایی، تاب‌آوری و پیگیری همین جامعه است؛ جامعه‌ای که حتی در تنگنای محدودیت و بی‌اعتمادی، همچنان راهی برای بیان خود می‌یابد و ابزارهایش را با شرایط زمانه بازآفرینی می‌کند.

گفت‌وگوی حقوقی

حق شرط‌های پرابهام ایران در کنوانسیون پالرمو

در حالی که عضویت ایران در کنوانسیون پالرمو یک گام مهم در مسیر خروج از فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) به‌حساب می‌آید، اما حق شرط‌ها و تفاسیر موسع

جمهوری اسلامی از مفاد این کنوانسیون، پرسش‌های جدی حقوقی را برانگیخته است. فرشید فرحناکیان، وکیل دادگستری و دکترای حقوق، در گفت‌وگو با هفت صبح تأکید می‌کند که اعمال تفاسیر مبتنی بر قانون اساسی داخلی، گرچه در چارچوب اصل حاکمیت ملی قابل درک است، اما نمی‌تواند بهانه‌ای برای نقض یا تضعیف تعهدات بین‌المللی تلقی شود و ممکن است در چارچوب حقوق بین‌الملل، فاقد اعتبار حقوقی باشد.

❖ **اینکه جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون پالرمو را بر اساس قوانین و مقررات داخلی خود و به‌ویژه مواد (۲)، (۳)، (۱۰) و (۲۳) قانون اساسی تفسیر و اجرا خواهد کرد چقدر بر اساس مفاد این کنوانسیون، کنوانسیون وین و توصیه‌های FATF معتبر است؟**
کنوانسیون پالرمو (مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی) تصریح دارد که دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای اجرای موثر مفاد کنوانسیون از طریق قوانین داخلی خود انجام دهند. درعین‌حال، در جاهای مختلف آن، احترام به اصل حاکمیت ملی و نظام‌های حقوقی داخلی موردتوجه قرار گرفته است. باین‌حال، تفسیرهایی که با اهداف اصلی کنوانسیون در تضاد باشد یا موجب عدم اجرای موثر تعهدات شود، می‌تواند با انتقاد و اعتراض سایر اعضا مواجه گردد.

طبق ماده ۲۷ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات (۱۹۶۹) «یک دولت نمی‌تواند به دلایل حقوق داخلی، از اجرای تعهدات بین‌المللی خود خودداری کند». به‌موجب ماده ۳۱ این کنوانسیون «تفسیر معاهدات باید با حسن نیت و با توجه به متن، زمینه و هدف کلی معاهده صورت گیرد». در نتیجه، اگر جمهوری اسلامی ایران بخواهد تفسیری ارائه دهد که موجب تضعیف یا نقض تعهدات اصلی کنوانسیون پالرمو شود (مثل همکاری‌های قضایی یا شفاف‌سازی مالی)، آن تفسیر از دید حقوق بین‌الملل قابل قبول نخواهد بود؛ حتی اگر مبتنی بر قانون اساسی باشد. اعمال محدودیت‌های داخلی بر اجرای کامل کنوانسیون‌های پالرمو یا کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (CFT) از طریق شرط‌گذاری یا تفسیر محدودکننده، نشان‌دهنده عدم پابندی موثر به توصیه شماره ۳۶ گروه ویژه اقدام مالی (FATF) است که در آن به «اجرای کامل» این کنوانسیون‌ها تصریح شده است و نتیجتاً وضعیت سیاه‌رنگ ایران در لیست این گروه را تغییر قابل توجهی نخواهد داد.

❖ **ا.ا. ایران خود را ملزم به ترتیبات بند (۲) ماده (۳۵) کنوانسیون پالرمو در خصوص ارجاع هر گونه اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای مفاد کنوانسیون نمی‌دانسته و چنانچه اختلاف از طریق مذاکره حل‌وفصل نشود، ارجاع به داوری یا دیوان بین‌المللی دادگستری تنها با رعایت مفاد اصال یک‌صد و سی و نهم (۱۲۹) قانون اساسی ج.ا.ا. ایران امکان‌پذیر دانسته است. این گزاره چقدر در حقوق بین‌الملل معتبر است؟**

طبق بند (۲) ماده ۳۵ کنوانسیون پالرمو، در صورت بروز اختلاف میان دولت‌های عضو درباره تفسیر یا اجرای مفاد کنوانسیون، اگر از طریق مذاکره حل نشود، به درخواست یکی از طرف‌ها، به داوری ارجاع خواهد شد و در صورت عدم توافق در مدت شش ماه، هر یک از طرف‌ها می‌تواند اختلاف را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد. باین‌حال، بند (۳) ماده ۳۵ به کشورها اجازه می‌دهد که هنگام امضا، تصویب یا الحاق، اعلام کنند که خود را ملزم به بند (۲) نمی‌دانند. اگر جمهوری اسلامی ایران هنگام الحاق به کنوانسیون پالرمو رسماً به‌عنوان حق شرط (reservation) اعلام کند که بند (۲) ماده ۳۵ آن را نمی‌پذیرد آنگاه این گزاره از منظر حقوق بین‌الملل معتبر است.

شایان‌ذکر است که گروه ویژه اقدام مالی (FATF) تأکید کرده است که ایران باید کنوانسیون‌های پالرمو و کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (CFT) را بدون حق شرط‌های گسترده یا مبهم تصویب و اجرا کند. حق شرط‌هایی که موجب تضعیف اهداف اصلی کنوانسیون‌ها شوند، می‌توانند مانع از پذیرش کامل ایران در نظام مالی بین‌المللی شوند.

❖ **جمهوری اسلامی ایران معتقد است که عضویتش در کنوانسیون پالرمو هیچ‌گونه خدشه‌ای به حق مشروع ملل یا گروه‌های تحت سلطه استعمار، اشغال خارجی و اشغالگری و حق تعیین سرنوشت آنان وارد نخواهد کرد. این شرط چقدر از منظر حقوق بین‌الملل معتبر است؟**

شرط جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه عضویت در کنوانسیون پالرمو خدشه‌ای به حق مشروع ملت‌ها برای تعیین سرنوشت وارد نمی‌کند، یک شرط تفسیری محسوب می‌شود و از منظر حقوق بین‌الملل تا حدی معتبر است. اما با محدودیت‌های مهم. در ارزیابی FATF و جامعه بین‌المللی، اگر چنین شرطی به ابزاری برای عدم شفافیت یا عدم همکاری بین‌المللی تبدیل شود، اثر منفی خواهد داشت.

بر اساس راهنمای عملی کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل در مورد تحفظات به معاهدات، اعلامیه‌های تفسیری، بر خلاف تحفظات، تأثیری بر تعهدات حقوقی کشورها در معاهده ندارند و صرفاً دیدگاه کشور را در مورد تفسیر مفاد معاهده بیان می‌کنند. این اعلامیه‌ها تا زمانی که با هدف و موضوع معاهده ناسازگار نباشند، معتبر تلقی می‌شوند. باین‌حال، این اعلامیه‌ها اگر اجرای کنوانسیون را به شکل قابل توجهی محدود کند، ممکن است از نظر دیگر دولت‌ها به‌عنوان تحفظ ضمنی (implicit reservation) تلقی شود و مورد اعتراض قرار گیرد.

این شرط جمهوری اسلامی ایران معمولاً به‌عنوان «اعلامیه تفسیری» (interpretative declaration) در نظر گرفته می‌شود؛ نه تحفظ (reservation)؛ زیرا این شرط تعهد جدیدی ایجاد نمی‌کند و هدف آن محدود کردن اجرای مفاد کنوانسیون نیست؛ بلکه بیان موضع حقوقی کشور در رابطه با اصولی چون حق تعیین سرنوشت است. «حق تعیین سرنوشت» هم یکی از اصول بنیادین منشور سازمان ملل (ماده (۲۱)) و میثاق‌های حقوق بشری است. کشور‌های زیادی هنگام الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی شرطی مشابه این را مطرح کرده‌اند تا تضمین کنند که مبارزه با جرائم سازمان‌یافته، بهانه‌ای برای سلب مشروعیت از جنبش‌های مقاومت مردمی یا ضد استعمار نباشد. بسیاری از کشور‌های عضو جنبش عدم تعهد، هنگام الحاق به کنوانسیون‌های با موضوع ضد تروریسم چنین اعلامیه‌هایی را ارائه داده‌اند.

در مجموعه پیوستن ایران به کنوانسیون پالرمو اگر با هدف بهبود تعاملات مالی و رفع موانع FATF باشد در صورتی می‌تواند اقدامی مثبت تلقی شود که با اصلاحات حقوقی و نهادی داخلی و ایجاد زیر ساخت‌های اجرایی و نظارتی شفاف برای هم‌راستایی با تعهدات بین‌المللی، خودداری از شرط‌گذاری‌های گسترده و نامعین و تضمین توازن بین حاکمیت ملی و تعهدات بین‌المللی همراه شود. در غیر این صورت، این عضویت ممکن است صرفاً جنبه نمایشی یافته و اثرگذاری مطلوب خود را در تعاملات بین‌المللی از دست بدهد.

گفت‌وگوی هفت صبح با ابراهیم جمیلی چهره سرشناس معدنی

بایوستن به پالرمو، ایران از فهرست کشورهای پرریسک خارج می‌شود

اقتصادی ارزشمند زمان را از دست داده‌ایم و این بی‌توجهی آسیب‌زا ست.

❖ **جهان امروز تا چه اندازه بر پایه اقتصاد پیش می‌رود؟**

امروز دیگر تردیدی نیست که اقتصاد نقش اصلی را در سیاست جهانی بازی می‌کند. در سفر اخیر ترامپ به عربستان، اکثر اعضای هیأت همراهش از فعالان اقتصادی بودند، نه سیاسی. این نشانه روشنی از جهت‌گیری جهان به سمت اولویت دادن به منافع اقتصادی است. ما باید با درک این تحولات، جایگاه خود را در مناسبات جهانی تثبیت کنیم.

❖ **پاسخ شما به کسانی که پالرمو را یک روند تحمیلی می‌دانند چیست؟**

پالرمو مسیری جهانی است. کشورهایی که بعضاً با چالش‌های جدی مالی و تخلفات گسترده مواجهند، باز هم به این کنوانسیون پیوسته‌اند. ایستادن در برابر چنین روندی به معنی انزواست. ما با رعایت قواعد داخلی، آمادگی پذیرش استانداردهای بین‌المللی را داریم، بنابراین جای تردید یا مقاومت نیست.

❖ **تاخیر در پیوستن به این کنوانسیون چه تبعاتی برای اقتصاد ایران داشت؟**

تحریم‌های بانکی و نبود دسترسی به شبکه‌های مالی باعث شد در یافت پول حاصل از صادرات یا خرید ماشین‌آلات به یک معضل تبدیل شود. صنایع زیادی عقب افتادند و حتی اگر امروز تحریم‌ها لغو شود، بازسازی این عقب‌ماندگی‌ها نیاز به سال‌ها تلاش دارد. روند طولانی پیوستن به پالرمو ضررهای ملموسی به بدنه اقتصاد کشور وارد کرد.

❖ **سخن پایانی؟**

حالا که این مسیر آغاز شده، باید با دقت و سرعت ادامه یابد، جهان در حال حرکت است و اگر ما بخواهیم در جای خود بمانیم یا در برابر تغییرات مقاومت کنیم، چیزی جز زیان نصیب‌مان نمی‌شود. تصمیم به پیوستن به پالرمو یک فرصت است؛ باید آن را به درستی مدیریت کنیم.

پالرمو به داد اقتصاد می‌رسد؟

❖ کاهش هزینه‌های مبادله و فساد اقتصادی

مبارزه با اختار یافته با پولشویی و قاچاق سازمان یافته، به کاهش فساد اقتصادی در داخل کشور کمک می‌کند. بسیاری از مسیرهای فساد، از طریق فعالیت مالی غیر قانونی و بدون شفافیت‌های شکل می‌گیرند. اجرای مفاد پالرمو به نهادهای نظارتی این امکان را می‌دهد که حساب‌های مشکوک، تراکنش‌های مالی غیرمتعارف و شبکه‌های غیررسمی را ردیابی کرده و جلوی نشست منابع را بگیرند. این یعنی افزایش بهره‌وری، رقابت‌پذیری و سلامت در فضای کسب‌وکار داخلی.

❖ اما همه چیز هم ساده نیست...

البته این پیوستن بدون هزینه نیست. برخی فعالان اقتصادی نگرانند که شفاف‌سازی مالی و تعهد به تبادل اطلاعات، فضای تنفس برای بخش‌هایی از اقتصاد غیررسمی را تنگ کند. به‌ویژه در شرایط تحریم که مسیرهای غیررسمی بعضاً راه نجات اقتصاد هستند، اجرای کامل تعهدات پالرمو ممکن است نیازمند اصلاحات تدریجی و تعریف استثناهایی باشد. اگر پیوستن به پالرمو با اصلاحات نهادی در داخل کشور و اعتمادسازی در نظام بین‌الملل همراه شود، می‌توان امیدوار بود که این گام حقوقی، اثرات اقتصادی مثبت و ملموسی را در سال‌های آینده به‌جا بگذارد.

همه چیز زیر سر الکساندر کواشینفسکی است. مسیری که او از کاخ خود در پلاک ۴۶ و ۴۸ کرکوفسکیه پُرمیمن یسته تا کاخ دادگستری پالرمو در میدان وینوریو امانوئل اورلاندو پیمود، به پیمانی جنجالی منتهی شد

کلیه جلسات بود و سنگینی ریاست را پیر و فاسینو، وزیر دادگستری ایتالیا به عهده داشت. در افتتاحیه، کفی عنان، دبیرکل وقت سازمان ملل، و پینو آرلاچی، مدیر اجرایی دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان‌یافته (UNODC)، سخنرانی کردند و بر «ضرورت هماهنگی جهانی» و «جنتاب از خلأحقوقی میان کشورها» تأکید ورزیدند. در خلال چهار روز کنفرانس، نمایندگان بیش از ۱۰۰ کشور به بحث و تبادل نظر پرداختند. مهمترین موضوعات عبارت بودند از: نحوه تعریف «مجرم سازمان‌یافته»، استانداردهای تبادل اطلاعات قضائی، هماهنگی در استرداد متهمان و مجموعه ضمانت‌های حقوقی. برای حفظ حاکمیت ملی، هیأت ایرانی نیز با ارائه تحفظاتی درباره تطابق مفاد کنوانسیون با قانون اساسی جمهوری اسلامی، به پیوستن مشروط خود اشاره کرد.

نهایتاً، در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰، کنوانسیون با اکثریت قابل توجهی از آراء به تصویب رسید و به امضاء نمایندگان کشورها گذاشته شد. سه پروتکل الحاقی نیز به‌صورت هم‌زمان تصویب و امضا شد. تا آن زمان، بیش از ۸۰ کشور متعهد شدند که ترتیبات داخلی لازم را برای تصویب نهایی و اجرای مفاد کنوانسیون فراهم آورند.

ابراهیم جمیلی، فعال اقتصادی بخش خصوصی و چهره شناخته‌شده در حوزه معدن، پیوستن ایران به کنوانسیون پالرمو را اقدامی ضروری و ثمربخش برای اقتصاد کشور می‌داند. به گفته او، این تصمیم مسیر تازه‌ای برای تعامل با اقتصاد جهانی می‌گشاید و فرصت‌های از دست‌رفته را جبران می‌کند.

❖ **آقای جمیلی، ارزیابی شما از تصویب نهایی پیوستن ایران به پالرمو چیست؟**

این یک تصمیم درست و به‌موقع است. تصویب پالرمو باعث می‌شود ایران از فهرست کشورهای پرریسک FATF خارج شود. این اتفاق راه را برای همکاری‌های بانکی، تجاری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی باز می‌کند. ارتباط اقتصادی با دنیا نیازمند شفافیت و هم‌سویی با قواعد بین‌المللی است و این گام می‌تواند به اعتمادسازی کمک کند.

❖ **برخی این توافقات را مخل استقلال اقتصادی کشور می‌دانند. نظر شما چیست؟**

مبارزه با پولشویی و شفاف‌سازی مالی مدت‌هاست در نظام بانکی کشور در جریان است. رعایت این اصول به دولت امکان می‌دهد که مالیات‌ها را دقیق‌تر وصول کند و فضای فعالیت اقتصادی روشن‌تر شود. حالا که در عمل این موارد را اجرا می‌کنیم، منطقی است که در عرصه بین‌المللی نیز خود را با همین قواعد هماهنگ نشان دهیم و از امتیازهای آن بهره‌مند شویم.

❖ **شما همیشه بر تقدم اقتصاد بر سیاست تأکید داشته‌اید. این نگاه چقدر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ما اثرگذار بوده است؟**

بر بسیاری از کشورها، سیاست در خدمت اقتصاد قرار گرفته و تصمیمات کلان با اولویت منافع اقتصادی اتخاذ می‌شود. نمونه بارز آن چین است که با توسعه مسیرهای جاده ابریشم از طریق خطوط ریلی، زمینی و هوایی، شرایطی را فراهم کرده که هم صادراتش با هزینه کمتر انجام شود و هم واردات مواد اولیه‌اش با صرفه‌جویی قابل توجه همراه باشد. ما در ایران در بسیاری از موقعیت‌های



پالرمو، حکایت ۳ هزار روز کشمکش سیاسی و دیپلماتیک در ایران

گام مهم دیپلماسی پس از ۹ سال بحث، مجمع تشخیص با الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو با شروطی موافقت کرد

حمید بهشتی
هفت صبح

شمرده و صحبت‌های درگوشی. موضوع؟ «پالرمو». همان لایحه‌ای که حالا بیش از ۳ هزار روز است نامش در رسانه‌های چرخد و بر سر آن بحث و جدل‌ها شده است. این بار اما ورق برگشت. رای‌گیری نهایی انجام شد و بالاخره مجمع با الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی، با ۵ شرط، موافقت کرد.

اما این نقطه پایان نیست، بلکه فصل تازه‌ای ست در داستانی که سال ۱۳۹۵ آغاز شد. آن روزها هنوز «افای‌تی‌اف» برای خیلی‌ها واژه‌ای نامأنوس بود و کلمه «پالرمو» بیشتر یادآور فیلم‌های مافیایی بود تا جلسات حقوقی سازمان ملل. اما پس از طی شدن راهی پرپیچ‌وخم از کمیسیون‌های مجلس تا نظرات شورای نگهبان و از رفت‌وبرگشت‌های متعدد تا توقف چندساله در مجمع، پالرمو حالا رنگ تصویب را به خود دید. ماجرا از تیرماه ۱۳۹۵ شروع شد؛ لایحه‌ای با عنوان طولانی «الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی» برای بررسی به نمایندگان مجلس ارایه شد. به قول برخی نمایندگان، «تلاش برای جهانی شدن مبارزه با تبه‌کاری». هر چند برخی نمایندگان نیز در جلسه غیبت کردند تا موضع مشخصی در این مورد نداشته باشند. مجلس پس از چندرفت و برگشت، در تیر ۱۳۹۷ آن را تصویب کرد، اما شورای نگهبان چند بار ایراد گرفت و نهایتاً طرح به بن‌بست رسید و به مجمع تشخیص رفت که قرار بود راهگشای حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان باشد. اما در مجمع نیز ۵ سال سرگردان ماند تا سرانجام این موضوع پس از قریب سه ماه بررسی کارشناسی در کمیسیون‌های مجمع، ۵ جلسه کمیسیون مشترک و ۳ جلسه شورای مجمع به تصویب رسید. چه کسی در را باز کرد؟ رهبری. ماه ۱۴۰۳، در پاسخ به استعلام رئیس مجمع، با بررسی مجدد پالرمو و CFT موافقت شد. این بود که ورق برگشت. در جلسات فشرده کمیسیون مشترک، نمایندگان دولت، قوه قضاییه، مجلس و کارشناسان امنیتی و اقتصادی رویه‌روی هم ننستند. گفت‌وگوها، استدلال‌ها، تحفظ‌ها... همه چیز روی میز بود. حتی حق شرط‌ها و تفسیرهای

مورد نداشت‌ه باشند. مجلس پس از چندرفت و برگشت، در تیر ۱۳۹۷ آن را تصویب کرد، اما شورای نگهبان چند بار ایراد گرفت و نهایتاً طرح به بن‌بست رسید و به مجمع تشخیص رفت که قرار بود راهگشای حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان باشد. اما در مجمع نیز ۵ سال سرگردان ماند تا سرانجام این موضوع پس از قریب سه ماه بررسی کارشناسی در کمیسیون‌های مجمع، ۵ جلسه کمیسیون مشترک و ۳ جلسه شورای مجمع به تصویب رسید.

چند روز بعد، در جلسه مشترک کمیسیون مشترک و کارشناسان امنیتی و اقتصادی رویه‌روی هم ننستند. گفت‌وگوها، استدلال‌ها، تحفظ‌ها... همه چیز روی میز بود. حتی حق شرط‌ها و تفسیرهای مورد نداشت‌ه باشند. مجلس پس از چندرفت و برگشت، در تیر ۱۳۹۷ آن را تصویب کرد، اما شورای نگهبان چند بار ایراد گرفت و نهایتاً طرح به بن‌بست رسید و به مجمع تشخیص رفت که قرار بود راهگشای حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان باشد. اما در مجمع نیز ۵ سال سرگردان ماند تا سرانجام این موضوع پس از قریب سه ماه بررسی کارشناسی در کمیسیون‌های مجمع، ۵ جلسه کمیسیون مشترک و ۳ جلسه شورای مجمع به تصویب رسید.

مهدی خاکی فیروز | در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۶، الکساندر کواشینفسکی، رئیس‌جمهور وقت لهستان در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پیش‌نویس چارچوبی را ارائه کرد که هدف آن ارائه تعریف واحد و سازوکار مشترک قانونی برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی بود. او در این نطق، با استعرا‌ای از «سرطان» جامعه‌جهانی، بر لزوم اتحاد همه کشورها تأکید کرد تا نه تنها عملیات قاچاق مواد مخدر و انسان بلکه پولشویی و جرایم سایبری نیز به‌طور هماهنگ مورد پیگرد قرار گیرد. این ابتکار سبب شد مجمع عمومی با ایجاد «گروه کارشناسان بین‌دولتی» مأموریت بررسی و نگارش متن کنوانسیون را به‌عهده گیرد. طی سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، گروه کارشناسان در کمیته سوم مجمع عمومی گردهم آمدند تا زوایای مختلف حقوقی، قضائی و عملیاتی کنوانسیون را شکل دهند. لهستان میزبانی یکی از نخستین نشست‌های منطقه‌ای را در ورشو بر عهده داشت که بیش از سی کشور در آن شرکت کردند.

همزمان، ایالات متحده و تعدادی از کشورهای اروپایی پیش‌نویس‌های موازی خود را ارائه دادند. مؤسسه مکس پلانک در آلمان نیز با گزارش‌های تخصصی خود نکات فنی تعاریف «سازمان‌جینتکار»، «سود مالی» و «همکاری قضائی متقابل» را تکمیل کرد.

در میانه سال ۱۹۹۹، سازمان ملل متحد با تشکیل کارگروه مشترکی از نمایندگان دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، متن نهایی کنوانسیون و سه پروتکل الحاقی آن را تدوین کرد؛ پروتکل مربوط به پیشگیری از قاچاق انسان، پروتکل مقابله با قاچاق مهاجران و پروتکل مقابله با سلاح گرم غیرقانونی. این مرحله نشان داد که موضوعات انسانی (قاچاق انسان) و امنیتی (جایه‌جایی سلاح) به اندازه مبارزه با پولشویی از اهمیت بر‌خور دارند.

مذاکرات نهایی در کنفرانس دیپلماتیک پالرمو برگزار شد. از ۱۲ تا ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰، پالرمو به کانون توجه دیپلماتیک بدل شد. ایتالیا به نمایندگی رسمی کنفرانس، میزبان

نشست هم‌اندیشی و هم‌نظری مدیران ادوار مختلف سازمان سینمایی از ابتدا تاکنون

نقشه نجات سینمادورمیزتاریخی

● گام‌های نتیجه بخش یا نمایشی وزارت ارشاد با تدوین برنامه راهبری به سینما رسید

عسل آذریور | آخر هفته گذشته تمام مدیران و مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد در موزه سینما دور هم جمع شدند تا برای تعیین برنامه راهبری سازمان سینمایی پیش‌نویسی تهیه کنند. در این مراسم از حسین ترابی نخستین معاون سازمان سینمایی ایران بعد از انقلاب اسلامی تا راند فریدزاده رئیس کنونی و میزبان برنامه در کنار هم به بررسی موارد تجربه شده ادوار مختلف و امکانات و احتیاجات سازمان سینمایی با عناوینی چون اولویت‌بندی سیاست‌ها، راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی، تحکیم رابطه سینماگران با حاکمیت و بازخوانی تجربه‌های گذشته در توسعه زیرساخت‌های سینمایی به بحث گذاشته شد. در این جلسه نظرات معاونان سینمایی ادوار گذشته طرح شد تا در نهایت با ادغام و بررسی بیشتر اهداف، سیاست‌ها و فعالیت‌های سازمان سینمایی دولت چهاردهم، نهایی، نوشته و ابلاغ شود. این جلسه بررسی وضعیت سینمای ایران بود که در سال‌های گذشته با بحران جدی مواجه شده است. بحرانی که ریشه‌یابی آن و راه‌حل برون‌رفت از آن به صورت مستقیم در اختیار روسای سازمان سینمایی و در حد کلان‌تر وزارت ارشاد بوده است. با این وجود در تمام ادوار گذشته تا امروز که به نظر می‌رسد خواست جدیدی از سوی سیدعباس صالحی وزیر ارشاد کنونی که در دوران ریاست جمهوری دوم حسن روحانی نیز وزارت فرهنگ و ارشاد را در اختیار داشته، به وجود آمده است تا نگاه متفاوتی به فرهنگ و هنر اتفاق بیفتد. صالحی گرچه پیش‌تر در دوران وزارت نخستن نیز رویکرد تازه‌ای به وزارت فرهنگ و ارشاد آورد. او از آن روز تاکنون از



دیپلماسی و تعامل گفته است. دیپلماسی فرهنگی با جهان و تعامل نهادها و سطوح مختلف حاکمیتی با هنر. این بار نیز و با دومین اداره وزارت، او هنوز بر دیپلماسی و تعامل تأکید دارد. در یک سال گذشته او در اتفاقات گوناگون شخصاً ورود کرده و برای ایجاد تعامل و برون‌رفت از مشکلات راه‌حل ارائه داده است. علاوه بر این او از همان روز نخست با انتصاب معاونت‌های خود نشان داد که به نیروی جوان معتمد است، نیروی جوان خوشفکر و با ایده که باید در تعامل با بزرگان و پیشکسوتان و صاحب‌نظران قرار بگیرند تا مفری برای مشکلات و بحران‌های موجود در حوزه فرهنگ و هنر بیابند. او در نخستین سخنانش بعد از تصدی بر وزارت فرهنگ و

ضرغامی: خوانش فرامتنی بلای جان سینماست

دیگری ندارد؛ توصیه‌ای همیشگی به وزرای مختلف فرهنگ و ارشاد داشته که شخصاً به فیلم، کارگردانان و تعامل سینما با حاکمیت ورود کنند. ضرغامی که در دو نهاد اصلی تولیدات تصویری کشور حضور داشته نقش وزارت ارشاد را به دلیل آنکه در تولید حضور ندارد، هدایت و مدیریت می‌داند. اتفاقی که اکنون با مشکل روبه‌روست و سینمای اجتماعی را به عنوان یکی از نیازهای اصلی جامعه به سمت نابودی کشاند و حتی انحصار تولید فیلم‌های ارزشی و دفاع مقدسی را هم به نهادهای حاکمیتی واگذار کرده است. او بازگشت وزارت ارشاد به نقش حمایتی و هدایتی را عامل موثر حل این معضلات معرفی می‌کند.

این جلسه در ذات خود یک اتفاق مهم به نظر می‌رسد اما برای رسیدن به اهمیت آن باز هم باید منتظر ماند و دید سرانجام این جلسه مشورتی چه می‌شود. شاید این حرکت نمادین تنها در تاریخ معاونت سینمایی ماندگار شود و در پرونده این معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد به نقطه طلایی بدل شود؛ گرچه امکان دارد که در آینده‌ای نزدیک تأثیری از این جلسه هم‌اندیشی در ساحت سینما مشخص شود. هرچند این کمی نامحتمل



نگاهی به شاهکارها و جنجال‌های هالیوود در بازآفرینی فیلم‌های جهانی

بهترین‌هایی که دوباره بازسازی شدند

نوشین آذرنگ
هفت صبح

در جهانی که دیالوگ‌ها مرز نمی‌شناسند و دوربین‌ها از مرزهای فرهنگی عبور می‌کنند، هالیوود سال‌هاست چشم به آثار غیرانگلیسی‌زبان دوخته و با چاشنی ستاره‌های درخشان و بودجه‌های کلان، بازسازی‌هایی جنجالی، گاه ستایش‌برانگیز و گاه جنجال‌برانگیز رقم زده است. به بهانه

۱۰. خیریه شیرین (۱۹۶۹, Sweet Charity)

باب فوسه اولین فیلم خود را با اقتباس از نمایش برادوی که از «شب‌های کابیریا» (Nights of Cabiria, ۱۹۵۷) فردریکو فلینی ساخته شده بود، کارگردانی کرد. شرلی مک‌کین نقش رقصه‌ای امیدوار را ایفا می‌کند که همواره عاشق افراد اشتباه می‌شود. فیلم شکست تجاری خورد اما اکنون تنها می‌توان با شگفتی به رقص‌های بی‌نقص مانند «فراق پوندارها» نگاه کرد.

۵. حلقه (۲۰۰۲, The Ring)

بیشتر بازسازی‌های وحشت ژاپنی از نسخه اصلی کم می‌آورند، اما بازسازی گور ورپنسکی از «رینگو» (Ring, ۱۹۹۸) هیدئو ناکاتا فضایی کاملاً متفاوت اما به‌هیچ‌وجه کمتر اعصاب‌خردکن خلق کرده است، با بهره‌گیری کامل از بودجه بیشتر، لوکیشن‌های شمال غربی اقیانوس آرام و ناوومی واتس در نقش روزنامه‌نگاری که نفرین مرگبار یک نور ویدئویی را بررسی می‌کند.

۹. دروغ‌های واقعی (۱۹۹۴, True Lies)

جیمز کامرون یک کم‌دی اکشن فرانسوی ساده «توپ همه‌چیزا» (Totale, ۱۹۹۱)، را پر از هیجان و بودجه کلان کرده است. آرنولد شوارتزنگر نقش هری تاسکر، یک JASOS حرفه‌ای را ایفا می‌کند که همسرش فکر می‌کند فروشنده‌ای خسته‌کننده است. کامرون با منفجر کردن نیمی از کیز فلوریدا، توجه شما را از عناصر بدجنس فیلم منحرف می‌کند.

۴. خشم مرد (۲۰۲۱, Wrath of Man)

هرچند به اندازه «بیک موتوری» (Le Convoyeur, ۲۰۰۴) فرانسوی تروتیمیز نیست، تریلر انتقامی گای ریچی مسیر خود را پیماید، یک داستان ساده را پیچیده می‌کند و جیسون استاتهام را در میان گروه خشن نگهبانان کامیون زرهی رها می‌کند. بدون هیچ‌یک از شوخی‌های لاتی که برخی فیلم‌های دیگر ریچی را خراب کرده، این رضایت‌بخش‌ترین فیلم او در سال‌های اخیر است.

۸. دختر اژدهانشان (۲۰۱۱, The Girl with the Dragon Tattoo)

اقتباس دیوید فینچر از کتاب پرفروش استیگ لارسن از نسخه سوئدی The Girl with the Dragon Tattoo (۲۰۰۹) شیک‌تر است. موسیقی ترنت رزنور و آتیکوس راس فوق‌العاده است و همه به‌جز دنیل کریگ و استلان اسکاشگورد لهجه سوئدی تقلبی دارند. آنچه ندارد، نومی راپاس است؛ اما دارای لیزیت سالاندر اصلی است.

۳. تغییر سریع (۱۹۹۰, Quick Change)

بیل مری نه‌تنها بازی می‌کند، بلکه بازسازی زیرکانه‌ای از کم‌دی اکشن کانادایی-فرانسوی «گه‌داری» (Hold-Up, ۱۹۸۵) با بازی ژان-پل بلوموندو را کارگردانی کرده است. مری در نقش گریم، یک سارق بانک با لباس دلقک، بهترین بازی طعنه‌آمیز خود را ارائه می‌دهد. نسخه اصلی در تعقیب‌وگریزهای ماشینی گیر می‌کند، اما بازسازی مری تا پایان پرتنش و خنده‌دار است.

۷. فریدزاده: اولویت‌بندی حوزه باید بازنگری شود

رئیس سازمان سینمایی کنونی دلیل شکل‌گیری این جلسه را لزوم بازنگری برای اولویت‌بندی به حوزه‌ها دانست که با استفاده از تجربیات مسئولان ادوار گذشته محقق خواهد شد. او به تمام مهمانان پیشنهاد کرده بود دو اقدام مهمی که در دوران مدیریت خود به سرانجام نرسید و هنوز امکان بررسی دارند را پیشنهاد دهند؛ این پیشنهاد برای تحقق اقدامات پیشین و برطرف کردن دغدغه تمام مسئولان عنوان شد.



جعفری جلوه: تحکیم روابط سینماگران و حاکمیت

محمدرضا جعفری جلوه، معاون سینمایی دولت نهم به وزارت محمدحسین صفار هرن‌دی که دورانی مدیرعاملی بنیاد سینمایی فارابی را نیز در کارنامه دارد، تحکیم روابط سینماگران با حاکمیت و حاکمیت با سینماگران را یکی از مهم‌ترین اقدامات دوران حضور خود دانست. یکی دیگر از اقداماتی که جعفری جلوه آن را مهم‌شمرد ایجاد مثلث سینما، فیلم، سالن و مخاطب بود. او بازسازی سالن سینما، حمایت از فیلم‌های اقتصادی و طرح اکران هم‌زمان تهران و شهرستان را نهضت دوران خود خواند. او امکان تقویت زنجیره فرهنگی را توجه به موفقه‌های گوناگونی چون آموزش، تثبیین مبانی نظری، ساماندهی نشر، ارتقای فناوری، تقویت جشنواره‌ها و زیرساخت‌های تولید و پخش دانست که درنهایت به هنر موردنیاز جامعه منتهی خواهد شد.

مردانی است که دست در دست هم دادند تا سینما به امروزی که هست برسد. بدون تردید با وجود تمام آسیب‌شناسی‌ها و راه‌حل‌های ارائه شده هرکدام از آنان در زمان حضور و تصدی خود فرصت این را داشته‌اند که حداقل به بخشی از مشکلات رسیدگی کنند، مشکلاتی که زمینه‌ساز بحران‌های دوران بعدی هم شدند. این را می‌توان در خواسته راند فریدزاده هم جستجو کرد. او پیشنهاد داد که همه مدیران دور میز سالن قرمز

۶. ترابی: برنامه راهبری نتیجه رشد جنبه مدیریتی است

حسین ترابی نخستین معاون سازمان سینمایی تدوین پیش‌نویس برنامه راهبردی در حوزه سینما را حاصل رشد جنبه‌های مدیریتی در حوزه فرهنگ دانست.

حیدریان: هدف اصلی ارتقای سرمایه اجتماعی است

محمد مهدی حیدریان که ریاست سازمان سینمایی در دو دولت مختلف و مقطع زمانی متفاوت را (دوران ریاست‌جمهوری محمد خاتمی و وزارت احمد مسجد جامعی و دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی و وزارت سیدعباس صالحی) تجربه کرده است؛ یکی از دغدغه‌های اصلی خود و دوران وزارتش را ارتقای سطح فرهنگی دانست. حیدریان معتقد است وزارت فرهنگ باید متولی تأمین نیازهای فرهنگی جامعه باشد؛ هر زمان که سرمایه اجتماعی در جامعه کاهش پیدا کرد دستگاه‌های فرهنگی برای حفظ و ارتقاء آن تلاش کنند. او این را هدف اصلی می‌داند و می‌گوید هر محصول فرهنگی اگر به این هدف کمک نمی‌کند باید مورد بازنگری قرار بگیرد؛ کار ما صرفاً تولید نیست، تأثیرگذاری در افزایش شاخص سرمایه اجتماعی باید دغدغه اول باشد.

انتظامی: ارشاد تبدیل به وزارت مجوز و رویداد شده

حسین انتظامی که ریاست سازمان سینمایی را در دولت دوازدهم روحانی و وزارت سیدعباس صالحی در اختیار داشته و اکنون معاون توسعه مدیریت و منابع حال حاضر وزارت فرهنگ است، وزارت فرهنگ و ارشاد را در اختیار کارکنان اجرایی می‌داند که حتی با تغییرات در سطوح بالا در روبه تغییری ایجاد نمی‌شود. او اکنون وزارت فرهنگ و ارشاد را «وزارت مجوز و رویداد» می‌داند که یکی از نمودهای بیرونی آن انفعال شورای نمایش فیلم است که تنها به حذف چند سکاس و دیالوگ اجازه اکران صادر می‌کند. او معتقد است ترکیب شورا‌های نظارتی وزارت فرهنگ و ارشاد باید از افراد متخصص در حوزه‌های متفاوت باشد تا میزان تأثیرگذاری فیلم بر جامعه مورد بررسی قرار بگیرد. انتظامی سینمای امروز را تولید صرف بدون خلاقیت و تأثیرگذاری می‌خواند که نیاز به هزینه کرد برای تقویت سینمای خلاف و شفاف‌سازی در مجوز دارد. او اولویت اکنون سینما را حضور بین‌المللی می‌داند در صورتی که اکنون حضور سینمای ایران منتج به شرکت در چند جشنواره محدود و تصمیم‌های هدفمند جشنواره‌های برای این حضورها شده است.

موزه سینما، دو اقدام مهمی را که نتوانستند به سرانجام برس‌اند یا اکنون برای سینما در نظر دارند پیشنهاد دهند. آنچه سینما خارج از این اتاق‌ها و جلسات نمایان می‌کند، به دور از این آرزوها و پیشنهادهاست. سینما نیازمند یک اقدام و خواست کلان جدی است. خواستی که شاید باید سرمنشا آن را فراتر از وزارت فرهنگ و ارشاد و در سایر نهادهای متولی، مرتبط و حتی به ظاهر نامربوط پیگیری کرد.



۶. بذار وارد شم (۲۰۱۰, Let Me In)

مت ریوز کار قابل‌قبولی با بازسازی شاهکار خون‌آشامی توماس فردسون (Let the Right One In, ۲۰۰۸) انجام داده است. با جایگزینی مجتمع مسکونی سوئدی با نیومکزیکوی دوران ریگان، جایی که یک پسر ۱۲ساله زورگویی‌شده دوست می‌شود. ریوز گاهی چیزهایی را که بهتر است ناگفته بماند توضیح می‌دهد، اما در چند صحنه اکشن جدید درخشان است.

۱. هفت دلاور (۱۹۶۰, The Magnificent Seven)

فیلم‌های سامورایی اکیرا کوروساوا به‌شدت از وسترن الهام گرفته بودند، بنابراین هالیوود به‌آسانی «هفت سامورایی» (Seven Samurai, ۱۹۵۴) را به یک وسترن تمام‌عیار تبدیل کرد. یول برنتر نقش کریس، یک هفت‌تیرکش را ایفا می‌کند که شش مزدور را متقاعد می‌کند از یک دهکده مکزیک‌زی در برابر راهزنان محافظت کنند. یکی از بهترین بازسازی‌های تاریخ.

۲. جادوگر (۱۹۷۷, Sorcerer)

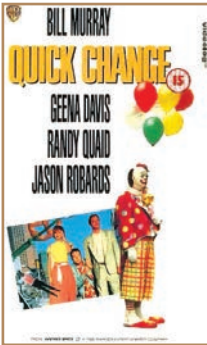
ویلیام فریدکین ادعا می‌کرد اقتباسش از رمان ژرژ آرنو بازسازی نیست، اما چون پیش‌تر توسط آنری-ژرژ کلوزو به نام «مزد ترس» (The Wages of Fear, ۱۹۵۳) فیلم شده بود، ما آن را بازسازی می‌نامیم. به هر حال، این تریلر اکشن دربارۀ چهار بازنده تبعیدی که کامیون‌های پر از دینامیت را در زمین‌های ناهموار آمریکای لاتین می‌رانند، اکنون تقریباً به اندازه نسخه اصلی کلاسیک است.

۷. رفتگان (۲۰۰۶, The Departed)

مارتین سرانجام برای بازسازی تریلر هنگ‌کنگی «امور داخلی» (Infernal Affairs, ۲۰۰۲) اسکار برد. لئوناردو دی‌کاپریو پلیسی است که فعالیت می‌کند، مت دیمون گانگستری است که به پلیس نفوذ کرده است. این فیلم از نسخه اصلی شل و ول‌تر است و بازی بیش‌ازحد جک نیکلسون در نقش رئیس مافیا، فرانک کاستلو، تعادل آن را بر هم می‌زند.

۲. جادوگر (۱۹۷۷, Sorcerer)

ویلیام فریدکین ادعا می‌کرد اقتباسش از رمان ژرژ آرنو بازسازی نیست، اما چون پیش‌تر توسط آنری-ژرژ کلوزو به نام «مزد ترس» (The Wages of Fear, ۱۹۵۳) فیلم شده بود، ما آن را بازسازی می‌نامیم. به هر حال، این تریلر اکشن دربارۀ چهار بازنده تبعیدی که کامیون‌های پر از دینامیت را در زمین‌های ناهموار آمریکای لاتین می‌رانند، اکنون تقریباً به اندازه نسخه اصلی کلاسیک است.



تعییب‌وگریزهای ماشینی گیر می‌کند، اما بازسازی مری تا پایان پرتنش و خنده‌دار است.

پس از انقلاب: رویاهایی برای رسیدن به آزادی



اختصاص یابد. مدتی حرف و حدیث‌هایی درباره اجرای کنسرت توسط او در این استادیوم مطرح شد، اما او تمام شایعات مربوط به برنامه‌ریزی را تکذیب کرد و اظهار داشت که هیچ‌گونه هماهنگی یا صحبتی در این زمینه بسا و انجام نشده است. این آرزوی بزرگ هرگز محقق نشد و حبیب در سال ۱۳۹۵ در گذشت. حبیب تنها خواننده‌ای نیست که آرزوی اجرا در این استادیوم را دارد. شهرام شب‌پره، بارها آرزو کرده تا پس از بازگشت به ایران کنسرتی بزرگ در آزادی برگزار کند. اندی نیز در ویدیوی یکی از قطعات خود از این آرزو سخن گفته است.

در آمریکا بارها به من گفت، آدم برود ایران و یک کنسرت در ورزشگاه آزادی بگذارد، چه می‌شود.» او معتقد بود که این کنسرت حتی اگر به مدت ۱۰ شب برگزار شود، استادیوم ۱۰۰ هزار نفری آزادی خالی نخواهد ماند. حبیب پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۸۸، تلاش‌هایی برای دریافت مجوز اجرای کنسرت انجام داد اما موفق نشد. با این حال، او همچنان به تحقق این رویا امیدوار بود و در مصاحبه‌ای با رادیو بی‌بی‌سی، اعلام کرد شرطش برای برگزاری کنسرت در ورزشگاه آزادی این بود که تمام درآمد حاصل از آن به مستضعفین و نیازمندان

پس از سال ۱۳۵۷، اجرای کنسرت‌های پاپ یا موسیقی زنده در فضاهای بزرگ و عمومی با محدودیت‌هایی روبه‌رو شد. ورزشگاه آزادی به دلیل ماهیت ورزشی و برخی ملاحظات سیاسی و اجتماعی عملاً از فضای کنسرت دور ماند اما این مانع نشد که هنرمندان ایرانی رؤیای اجرای آن را در سر نپروراند. برای مثال یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای حبیب محبیان، خواننده محبوب موسیقی پاپ ایران اجرای کنسرتی عظیم در ورزشگاه آزادی تهران بود. همسرش گفته بود: «حبیب همیشه در ذهنش این رویا را می‌پروراند و در دوران اقامت

هنرمندان داخلی و با آرزوی آزادی



در این میان هنرمندان ایرانی نیز بارها از این آرزوی خود گفته‌اند. در سال ۱۳۹۶، سهراب پورناظری، آهنگساز و نوازنده موسیقی ایرانی با انتشار عکسی از میدان آزادی در جمله‌ای کوتاه نوشت: «به امید روزی که روی این‌چنین، بزرگ‌ترین کنسرت ایران رو ببینیم» او در آن زمان مشغول انجام پروژه «سی» در کاخ سعدآباد ایران همراه با همایون شجریان بود که نزدیک ۱۲۰ هزار نفر از آن دیدن کردند.

پورناظری در سال‌های گذشته چند بار دیگر نیز این آرزو را مطرح کرد.

روایه‌ایی که در استادیوم‌ها تحقق یافت

در حالی که هنرمندان ایرانی سال‌هاست در حسرت اجرای یک کنسرت بزرگ در استادیوم آزادی تهران هستند در آن‌سوی مرزها، صحنه‌های بزرگ ورزشی از دهه‌ها پیش به سکوهای نمایش شکوه موسیقی بدل شده‌اند. یکی از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌ها، اجرای گروه کوئین در کنسرت خیره Live Aid در سال ۱۹۸۵ است. استادیوم ومبلی لندن آن روز شاهد هنرنمایی فردی مرکوری در برابر بیش از ۷۰ هزار نفر بود. اجرایی که به یکی از لحظات طلایی تاریخ موسیقی زنده تبدیل شد.

در دهه ۹۰ میلادی، مایکل جکسون با تور جهانی «Dangerous» استادیوم‌های عظیمی در اروپا، آسیا و آمریکا را پر کرد. بعضی از اجراهای او، از جمله در استادیوم المپیک مونیخ یا استادیوم ملی توکیو با حضور ده‌ها هزار نفر برگزار شد. پادشاه پاپ، استادیوم را به صحنه تئاتر، رقص، فناوری و صدا تبدیل کرد. الگویی که نسل‌های بعد از او از جمله بیانسه، اد شیرن و تیلور سوئیفت ادامه دادند. در سال‌های اخیر، گروه کرهای BTS در استادیوم‌هایی در لس‌آنجلس و پاریس اجرا کرد. کنسرت‌هایی که گاه با بیش از ۹۰ هزار تماشاگر رکوردهای تازه‌ای در تاریخ موسیقی آسیایی ثبت کردند.

آزادی، صحنه‌ای برای آینده؟

اگرچه ورزشگاه آزادی هنوز هم شاهد کنسرت‌های رسمی و گسترده مانند دیگر کشورهای جهان نیست اما همچنان در حافظه جمعی هنرمندان و مردم، نمادی از یک آرزوی فرهنگی باقی مانده است. به نظر مسئولان کشور باید به این نکته توجه داشته باشند که استادیوم‌ها در دنیای موسیقی امروز، رسانه‌ای برای نمایش قدرت هنرمند، محبوبیت او و تأثیر فرهنگی‌اش هستند. به همین دلیل است که وقتی خوانندگان ایرانی از رویای اجرای کنسرت در آزادی سخن می‌گویند، می‌خواهند تجربه‌ای مشترک با هزاران انسان در قلب یک شهر بسازند.

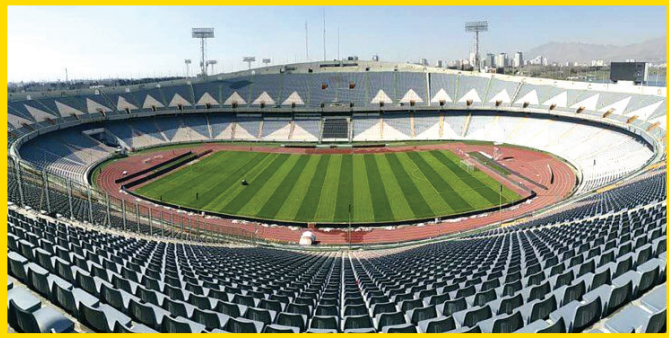
پیشینه‌ای از آزادی که فقط ورزشگاه نیست، محلی فرهنگی است

قربانی به پشت درهای آزادی رسید

گروه فرهنگ و هنر | ورزشگاه آزادی، سال‌هاست برای بسیاری از هنرمندان ایرانی نماد فوتبال نیست، رویایی ناتمام است. صحنه‌ای بزرگ است که آوازهای بسیاری باید در آن طنین می‌انداخت و هرگز نینداخت. اکنون اما در آستانه خرداد ۱۴۰۴، به نظر می‌رسد بخشی از این رویا به واقعیت نزدیک شده است. علیرضا قربانی، خواننده پرآوازه موسیقی ایرانی اعلام کرده که آغاز تور تازه خود با نام «ایرانم» را در فضای باز غربی استادیوم آزادی برگزار خواهد کرد. این اجرا اگر چه در فضای باز استادیوم آزادی است و نه در خود آن اما نخستین قدم‌های رسمی و جدی برای به صدا در آمدن موسیقی در قلب این نماد شهری است.

ورزشگاه آزادی یا محل فرهنگی؟

ورزشگاه آزادی تهران که پیش از انقلاب ۱۳۵۷ با نام استادیوم «آریامهر» شناخته می‌شد، نه تنها بزرگ‌ترین و نمادین‌ترین ورزشگاه ایران است بلکه یکی از مهم‌ترین مکان‌های عمومی کشور به شمار می‌آید که در حافظه جمعی ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارد. این ورزشگاه از ابتدای ساخت خود در دهه ۱۳۵۰ با هدف میزبانی از رقابت‌های بزرگ ورزشی و با رویکردی مدرن و چندمنظوره طراحی شد. فضایی برای گردهمایی‌های بزرگ و حتی اجراهای فرهنگی و هنری. از مسابقات پرشور تیم ملی فوتبال گرفته تا مراسم رسمی، راه‌پیمایی‌ها، جشن‌ها و اندک اجراهای هنری. ورزشگاه آزادی همواره بستری بوده که با احساسات میلیون‌ها نفر گره خورده است؛ اما در این میان شاید یکی از ظرفیت‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته استفاده از این فضای بزرگ به‌عنوان صحنه‌ای برای موسیقی و هنر بوده است. البته پیش از انقلاب چند کنسرت مهم در این مجموعه برگزار شد اما پس از انقلاب این فضا بیشتر در اختیار رخدادهای سیاسی و ورزشی قرار گرفت. با وجود این بسیاری از هنرمندان ایرانی (از نسل‌های مختلف) آرزوی اجرا در این مجموعه را دارند.



پیش از انقلاب:

فرانک سیناترا رسیده به آزاده

در اوایل سال‌های دهه ۴۰ شمسی (دهه ۱۹۷۰ میلادی)، ایران پهلوی در تلاش بود تا چهره‌ای بین‌المللی، مدرن و فرهنگی از خود به جهان نشان دهد. بخشی از این پروژه دعوت از چهره‌های جهانی برای اجرا در تهران بود تا سرانجام در آذر ۱۳۵۳ (نوامبر ۱۹۷۴)، فرانک سیناترا در قالب یک تور خیره بین‌المللی به ایران آمد. سیناترا در آن دوران در اوج محبوبیت بود. او پس از چند سال وقفه به عنوان صدای کلاسیک آمریکا به صحنه بازگشت و تور جهانی‌اش، نوعی سفر فرهنگی صلح‌آمیز جمع‌آوری کمک مالی برای پروژه‌های خیریه و فرهنگی در کشورهای مختلف تلقی می‌شد. در این کنسرت سیناترا مجموعه‌ای از ترانه‌های معروف خود را با ارکستری کامل اجرا کرد و کیفیت صدای درازی و نورپردازی، با استانداردهای بین‌المللی تنظیم شده بود. این رویداد از معدود لحظاتی است که استادیوم آریامهر به‌عنوان یک صحنه موسیقی استفاده شد.



نشست سینمایی روز پنجشنبه نمایشگاه کتاب با حضور نرگس آبیار و بهنوش طباطبایی و نویسندگان این سریال برگزار شد.

وفاداری و بزگی اصلی اقتباس

شیوا مقلانو داستان نویس، مترجم، «سووشون» را نه تنها یک کار بومی شیرازی بلکه یک اثر بومی ایرانی دانست و گفت: «این موضوع اقتباس از این اثر را سهل و ممتنع می‌کند. این نوع کتاب‌ها فرهنگ و میراث فرهنگی کشور ما هستند. به همین خاطر به راحتی نمی‌توان از آن‌ها اقتباس آزاد انجام داد. مخاطب توقع دارد چه از لحاظ داستانی و چه در انتخاب لوکیشن وفاداری به اثر را ببیند. سووشون آن قدر میان مخاطب شناخته شده و جا افتاده که به یک «کالت» تبدیل شده یعنی بخشی از فرهنگ داستان‌خوان‌های ما است. استفاده از این کتاب برای خلق یک اثر نیاز دارد کارگردان در عین وفاداری، خلاقیت، نگاه و دوربین خود

نرگس آبیار و بهنوش طباطبایی به نمایشگاه کتاب رفتند تا از سووشون بگویند

سووشون با ممیزی ساخته شد

عنوان کارگردان آثار کودکان از دنیای کودکان و پرداخت سینمایی به خواست آنان گفت. یکی از این نشست‌ها هم به سریال «سووشون» ساخته نرگس آبیار به تهیه‌کنندگی محمد قاسمی اختصاص داشت. سریال تازه آبیار با اقتباس از نخستین رمان سیمین دانشور ساخته و در انتظار پخش از پلتفرم است.

نمایشگاه کتاب در خلال برگزاری بزرگ‌ترین رویداد کتاب و نشر، نشست‌هایی در حوزه سینما برگزار می‌کند. نام این نشست‌ها با عنوان «ادبیات در قاب تصویر» در روزهای اخیر میزبان سینماگران متفاوتی بوده است، از کیانوش عیاری که به بهانه زادروز تولدش به نمایشگاه دعوت شد تا مرضیه برومند که به

ممیزی‌ها رعایت شده، امیدوارم بیشتر نشود آبیار درخصوص شایعات و بحث‌هایی که در روزهای اخیر درخصوص سریال تازه‌اش پیش آمده، ابراز امیدواری کرد که دیگر صحنه‌ای دچار ممیزی نشود. او در دفاع از سریالش گفت: «این یک اثر شریف است و حرف مهمی را می‌زند. حرف از شجاعت زنانه و عدالت و آزادی وقتی ما هنوز با ظلم و بی‌عدالتی مواجهیم پس این مفاهیم هنوز کهنه نشده‌اند.»

به لوکیشن‌ها بروید، هیچ آسیبی نیست آبیار درباره خبرهایی که در زمان ساخت سریال از تخریب بناهای فرهنگی وجود داشت پاسخ درهنگام داد: «در طول کار دو کارشناس میراث فرهنگی همواره همراه ما بودند و نظارت داشتند. شایعات آسیب زدن به بناهای فرهنگی کذب است. می‌توانید به لوکیشن‌هایی که فیلمبرداری کردیم مراجعه کنید و صحت این موضوع را بررسی کنید.»

باشد که در این ترکیب قرار بگیرد. آرزوی پانزده سالگی محقق شد نرگس آبیار که در پانزده سالگی رمان سیمین دانشور را خوانده است، هیچ وقت فکر نمی‌کرد روزی کارگردان اثری از آن شود. او از این تجربه چنین گفت: «کارگردان که شدم آرزو داشتم روزی فرصتی برای ساخت سووشون داشته باشم. این اثر ویژگی‌های مهم بسیاری دارد به همین خاطر صحبت کردن درباره اثری که خوانده و هنوز دیده نشده، سخت است. به همین خاطر سعی کردم به روح اثر وفادار بمانم. شاید حتی این قدر وفاداری نعل به نعل بنینده را عصبانی کند. اما باید تأکید کنم هیچگاه یک اثر اقتباسی شبیه متن نمی‌شود، پس برداشت خود را از استون‌های تخت‌چمشید است، برای حق مطلب را ادا بکنم. البته بعضی از تغییرات به دلیل ممیزی‌هایی است که از ما خواسته شد و امیدوارم حالا سریال بدون ممیزی دیگری پخش شود.»



سریال سووشون ساخته شده است این شخصیت در تاریخ نمایش و سینما هم ماندگار خواهد بود. زری نماد زن ایران است، تمثیلی از خود مولف است و سایه سیمین دانشور در آن وجود دارد. به همین خاطر در طول سریال مدام تلاش می‌کردم تا شان سیمین دانشور حفظ شود. زری برای من به مثابه یکی از استون‌های تخت‌چمشید است، برای همین خیلی از آن مراقبت کردم. رسیدن به نقش زری خیلی مسیر پر پیچ و خمی بود. گاهی واقعاً ترس سقوط داشتم. بازیگر باید خیلی شانس داشته

و نیز داشته باشد تا هم رمان خوانده شود و هم جهان خلاقانه کارگردان در اثر نمایان شود.»

سیمین نباید خیانتی به اثر باشد

علی‌اصغر عزتی‌پاک، نویسنده و داستان‌نویس ایرانی با بیان اینکه آرزوی دیرینه‌اش اقتباس از «سووشون» بوده است، گفت: «همیشه فکر می‌کردم کدام مردی است که بتواند سووشون را در بیاورد. این اثر نوشته یک زن است و باید توسط یک زن هم ساخته شود. ساختن سووشون کار سختی است؛ چراکه با گروه مخاطب وفادار مواجه است. آن‌ها انتظار دارند نمادها، نشان‌ها و جهان اثر را در نسخه سینمایی آن ببینند، خاطرات‌شان زنده شود و احساس نکنند به نسخه سینمایی به آن‌ها خیانت می‌شود.

زری برایم تمثیلی از دانشور است بهنوش طباطبایی بازیگر نقش زری، با بیان اینکه این شخصیت در تاریخ ادبیات ماندگار است، گفت: «حالا که

هجوم به آینده

نگاهی به قدم‌های جاه‌طلبانه ریاض و ابوظبی برای تبدیل به بازیگران اصلی عرصه هوش مصنوعی

در حالی که رقابت جهانی برای تصاحب جایگاه برتر در عرصه هوش مصنوعی روزبه‌روز شدت می‌گیرد، کشور‌های نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، با صرف میلیاردها دلار تلاش دارند به بازیگرانی تعیین‌کننده در این حوزه بدل شوند. دو کشور که تا همین چند سال پیش بیشتر با نفت و ساخت‌وساز شناخته می‌شدند، اکنون با تشکیل یا حمایت مالی از استارت‌آپ‌های پیشرفته جهانی، امضای قراردادهای کلان و ساخت مراکز داده عظیم، در پی تبدیل شدن به هاب‌های منطقه‌ای و جهانی هوش مصنوعی هستند؛ ط‌ر‌ح‌ی که هم مزایای ژئوپلیتیک دارد و هم قدرت‌نمایی فناوری.

🔴 **امارات: فاصله از چین، پیش به سوی چپ**

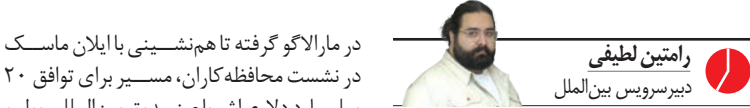
امارات متحده عربی در توافقی بی‌سابقه با دولت ایالات متحده مجوز ساخت بزرگ‌ترین مرکز هوش مصنوعی خارج از آمریکا را دریافت کرده است؛ پروژه‌ای عظیم که قرار است در منطقه‌ای به وسعت ۲۶ کیلومتر مربع در ابوظبی احداث شود و ظرفیت ۵ گیگابایت برق برای مراکز داده داشته باشد. در قالب این توافق، شرکت دولتی «جی ۴۲» (G4۲) مأمور اجرای پروژه شده و مدیریت مراکز داده در اختیار شرکت‌های آمریکایی قرار خواهد گرفت؛ رویکردی که واشنگتن با هدف جلوگیری از دسترسی احتمالی چین به فناوری‌های پیشرفته اتخاذ کرده است. براساس اطلاعات منتشرشده، امارات از سال ۲۰۲۵ اجازه خواهد داشت سالانه تا ۵۰۰ هزار واحد از پیشرفته‌ترین تراشه‌های شرکت «انویدیا» (Nvidia) را وارد کند. همزمان با اعلام این توافق، «جنسن هوانگ» مدیرعامل انویدیا، در دیداری تلویزیونی در کنار «محمد بن زاید آل نهیان» رئیس‌جمهور امارات و «دونالد ترامپ» دیده شد. در کنار این پروژه، امارات از طریق نهادهای سرمایه‌گذاری دولتی مانند «جی ۴۲» (G۴۲) و «ام‌جی‌ایکس» (MGX)، میلیاردها دلار در شرکت‌های پیشرو آمریکایی نظیر «اوپن‌ای‌ای» (OpenAI) و «ایکس‌ای‌ای» (xAI)

ینگه دنیا



هزینه برای لبخند ترامپ

بیش از ۱۰ کشور آمریکای لاتین دست کم ۵۰ میلیون دلار خرج لابی‌گری کردند تا دل رئیس‌جمهور آمریکا را به‌دست آورند



با بازگشت دونالد ترامپ به قدرت، نه فقط کشورهای نفت‌خیز عرب، بلکه همسایگان جنوبی آمریکا نیز وارد رقابت میلیونی برای جلب توجه کاخ سفید شدند. بر پایه اسناد رسمی وزارت دادگستری ایالات متحده، از زمان پیروزی ترامپ در آبان ۱۴۰۳، دست‌کم ۱۰ کشور از آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، با ثبت رسمی مقام‌های عالی‌رتبه خود به‌عنوان نماینده خارجی، وارد زمین بازی لابی‌گری در واشنگتن شده‌اند. پیش‌تاز این رقابت، نایب‌بوکله، رئیس‌جمهور السالوادور است. او با صرف یک‌ونیم میلیون دلار در سه سال گذشته، به دیدار رسمی با ترامپ در کاخ سفید، امضای توافق هسته‌ای، ارتقای رتبه امنیت سفر به کشورش و حمایت از توسعه زندان عظیمش دست یافت. در سوی دیگر، دنیل نوبوا، رئیس‌جمهور اکوادور، با قهرارداد پرسودی با یکی از شرکت‌های مشهور روابط عمومی، هم عکس یادگاری‌اش را با ترامپ در مارالاگو گرفت و هم توانست مجوز ارسال سلاح برای مقابله با بحران امنیتی داخلی را کسب کند. خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین نیز با رویکردی شخصی‌تر، راه دل ترامپ را پیدا کرد. از ضیافت‌های شام

چهارگوشه دنیا

ظرفیت ۵۰۰ مگاوات دریافت خواهد کرد. قرار است این مرکز با پردازنده‌ها و تراشه‌هایی که از پیشرفته‌ترین نمونه‌های انویدیا به‌شمار می‌روند، تجهیز شود. برآوردها نشان می‌دهد عربستان طی پنج سال آینده صدها هزار واحد پردازنده گرافیکی را از شرکت‌های مختلف از جمله انویدیا، «ای‌ام‌دی» (AMD) و «گروک» (Groq) خریداری خواهد کرد. شرکت «ای‌ام‌دی» نیز اعلام کرده است در چارچوب همکاری با هماینک تا ۱۰ میلیارد دلار در ساخت مراکز داده هوش مصنوعی در عربستان و آمریکا سرمایه‌گذاری خواهد کرد. پیش‌بینی می‌شود این مراکز از سال ۲۰۲۶ وارد فاز عملیاتی شده و ظرفیت محاسباتی در حد چندین اگرا فلاپس فراهم کنند. از سوی دیگر، آمازون نیز اعلام کرده در حال ساخت منطقه‌ای موسوم به «منطقه هوش مصنوعی» (AI Zone) در ریاض است که سرمایه‌گذاری اولیه آن ۵.۳ میلیارد دلار برآورد شده و قرار است از سال ۲۰۲۶ با خدماتی مانند «سیج‌میکر» (SageMaker)، «بدرک» (Bedrock) و «کیو» (Q) وارد مدار بهره‌داری شود. با وجود ابهاماتی در جزئیات پروژه‌ها، آنچه مسلم است عربستان قصد دارد با تزریق سرمایه بی‌سابقه ۹۲۵ میلیارد دلاری به حوزه هوش مصنوعی، به هاب فناوری‌انه‌ای در زمینه‌هایی نظیر انرژی، سلامت، تولید و خدمات مالی بدل شود.

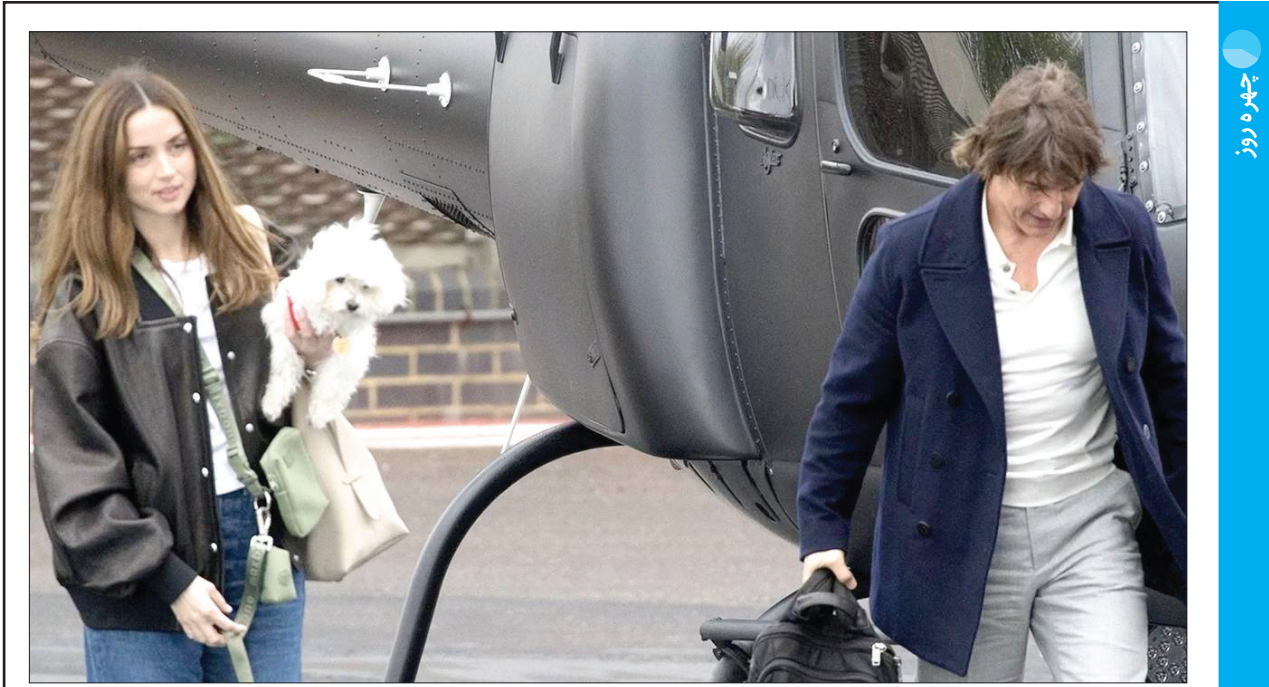


ترامپ گامی برای «بازپس‌گیری کنترل کانال پاناما از دست چین» توصیف شد، سود سرشاری نصیب شرکت‌های هم‌پیمان با دولت وی کرد. نکته قابل‌تأمل در رفتار بسیاری از دولت‌های منطقه، حفظ توازن میان لابی‌گرهای وابسته به جمهوری‌خواهان و چهره‌های نزدیک به دموکرات‌هاست. پاناما، برای نمونه در کنار همکاری با دیوید اوربن، مشاور سرشناس جریان محافظه‌کار، با مانوئل اورتیز، استراتژیست باسابقه حزب دموکرات نیز قرارداد ۲ و نیم میلیون دلاری بسته است. کلمبیا هم قرارداد ماهانه ۶۰ هزار دلاری خود را با یک شرکت حقوقی و مشاوره‌ای تمدید کرده است؛ شرکتی که در آن، هم‌مقام پیشین دولت اوپاما و هم رئیس دفتر جان بئرن، رئیس پیشین مجلس نمایندگان، نقش داشتند.

در مارالاگو گرفته تا هم‌نشینی با ایلان ماسک در نشست محافظه‌کاران، مسیر برای توافق ۲۰ میلیارد دلاری‌اش با صندوق بین‌المللی پول و دیدارهای آتی در کاخ سفید هموار شد. هسته اصلی این تلاش‌ها در شهر میامی شکل گرفته؛ جایی که چهره‌هایی چون دامیان مرلو و کارلوس تروخیو، با سابقه‌ای طولانی در دولت‌های جمهوری‌خواه، به ستادهای منطقه‌ای نفوذ در سیاست خارجی ترامپ بدل شده‌اند. مرلو که تا سال گذشته مشاور بوکله بود و سابقه همکاری با میلی را نیز دارد، ماهانه ۷۵ هزار دلار از آنها دریافت می‌کند. او در جلسه رسمی بوکله با ترامپ در دفتر بیضی، پشت سر آنها ایستاده بود. کارلوس تروخیو که زمانی نماینده دولت ترامپ در سازمان کشورهای آمریکایی بود، امروز نمایندگی چند کشور از جمله هائیتی، دومینیک و گویان را در شرکت خصوصی برعهده دارد؛ شرکتی که تنها در سه‌ماهه نخست سال جاری، بیش از ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار درآمد داشته است. در این شرکت، دختر رئیس دفتر ترامپ و رئیس سابق دفتر مارکو ربویو، سناتور نافوذ آمریکایی، نیز فعالیت دارند. از سوی دیگر، همین شبکه لابی‌گری نقش کلیدی در توافق ۲۳ میلیارد دلاری تصاحب بنادر راهبردی فارس آن را تکرار کرد؛ سیاست خارجی برای ترامپ، معامله‌است و معامله هم هزینه دارد.



گاردین انگلیس، عکس اصلی خود را به بروس اسپرینگستین، خواننده و نوازنده افسانه‌ای آمریکا اختصاص داد و به بررسی واکاوی سخنرانی‌های ضد ترامپ او در آمریکا پرداخت.



تام کروز و آنا دی آرماس در هفته‌های اخیر بارها در موقعیت‌های مختلف کنار یکدیگر دیده شده‌اند؛ از خروج مشترک از هلی‌کوپتر در لندن تا حضور در جشن تولد دیوید بکام. انتشار این تصاویر باعث شد شایعه‌هایی درباره رابطه‌ای فراتر از همکاری کاری میان این دو بازیگر مطرح شود. شایعه‌ای که با توجه به اختلاف ۲۵ ساله میان آنها نیز توجه رسانه‌ها را برانگیخته است. کروز ۶۲ ساله و دی آرماس ۳۷ ساله، تا کنون واکنشی مستقیم به این گمانه‌زنی‌ها نشان نداده‌اند. با این حال، دی آرماس در گفت‌وگویی تازه با شبکه ای‌بی‌سی تأکید کرده که رابطه‌اش با کروز، کاری و حرفه‌ای است. با این وجود، توضیحات رسمی بازیگر گویایی تبار نتوانسته از شدت شایعات بکاهد، به‌ویژه در شرایطی که رابطه او با مانوئل آنیدو کوئستا، پسرخوانده میگل دیاز-کانل، رئیس‌جمهور کوبا، همچنان موضوع بحث در رسانه‌هاست. در غیاب جزئیات رسمی درباره پروژه مشترک کاری، تکرار دیدارهای این دو چهره پرطرفدار همچنان سوزهای داغ برای رسانه‌ها و فضای مجازی باقی خواهد ماند.

عکس روز



فقر غذایی در دوران بشارداری، عواقب جبران‌ناپذیری برای جنین و نوزاد به‌همراه دارد.

🔴 **وقتی غذا، لوکس‌ترین کالای روزمره می‌شود**

در میانه ویرانه‌ها، غذا به کالایی کمیاب و گران‌تر از طلا تبدیل شده است. احمد نجار، یکی از فلسطینیان بی‌خانمان شده در شهر غزه، می‌گوید: «پیدا کردن حتی یک وعده غذا، به مأموریتی ناممکن تبدیل شده.» برخی خانواده‌ها برای خرید لقمه‌ای نان، زباله می‌فروشند. تورم افسارگسیخته قیمت‌ها، حتی برای آنان که پولی دارند، امکان تأمین غذا را از بین برده است. گرسنگی تنها شکم‌ها را نمی‌سوزاند؛ کرامت انسان را هم می‌بلعد. اگر شرایط تغییر نکند، سازمان ملل هشدار می‌دهد که از جمعیت ۲.۱ میلیونی غزه، حدود ۴۷۰ هزار نفر در وضعیت قحطی مطلق باقی خواهند ماند، بیش از یک میلیون نفر در ناامنی غذایی اضطرابی خواهند شد و نیم‌میلیون نفر دیگر در مرحله بحران قرار خواهند گرفت؛ مرحله‌ای که خانواده‌ها به انتخاب‌هایی چون حذف کامل وعده‌های غذایی، فروش دارایی‌ها، یا مصرف خوراکی‌های غیرقابل مصرف برای بقا روی می‌آورند. در چنین سرزمینی‌ست در حال خاموشی، در جهانی که می‌شوند ولی سکوت می‌کند.

اضطرابی تبدیل می‌شوند. پزشکان می‌گویند این مرحله ناپایی، اغلب برگشت‌ناپذیر و مرگبار است. گزارشی از سازمان پزشکان جهان (Mdecins du Monde) نشان می‌دهد که سوءتغذیه حاد در غزه، در کمتر از ۱۸ ماه، به سطح کشورهایی چون سومالی و سودان رسیده که دهه‌ها با بحران انسانی دست به‌گریبان‌اند. سازمان بهداشت جهانی نیز مرگ ۵۷ کودک را تنها طی دو ماه اخیر به سوءتغذیه نسبت داده است؛ آماري که به‌گفته متخصصان، می‌تواند تنها نوک کوه یخ باشد.



اسکارلت جوهانسن و گلایه از استثمار در هالیوود

اسکارلت جوهانسن می‌گوید پس از بازی در فیلم تحسین‌شده «گمشده در ترجمه» به کارگردانی سوفیا کاپولا، هالیوود او را نه به‌عنوان یک بازیگر جوان مستعد، بلکه تنها به‌چشم «ابزار جنسی» می‌دید. جوهانسن که در زمان ساخت فیلم ۱۷ سال داشت، در گفت‌وگویی تازه با مجله «وینتی‌فر» گفته است: «بعد از آن فیلم، سال‌ها فقط نقش‌هایی به من پیشنهاد می‌شد مثل معشوقه، زن اغواگر یا «آن زن دیگر». نمی‌توانستم از این چرخه بیرون بیایم. حس می‌کردم: خب، لابد قرار است همین باشم. کاری هم از دستم برنمی‌آمد.» او در این گفت‌وگو از فقدان حمایت حرفه‌ای در آن دوران گلایه کرده و گفته نمایندگان و مدیرهای برنامه‌اش هم کمکی نمی‌کرده‌اند، هرچند به اعتقاد او، «این صنعت همیشه همین‌طور عمل کرده است». بازیگر «بیوه سیاه» اضافه می‌کند که تجربه زیسته‌اش از جنسیت و بلوغ، در فضایی مسموم شکل گرفت: «بخشی از رشد طبیعی شماست که بخواهید خودتان را از طریق لباس و رفتار ابراز کنید اما ناگهان متوجه می‌شوید که این ابراز بدل شده به ابزار. نمی‌خواهم بگویم استثمار شدم چون واژه سنگینی‌ست، ولی بله، در نوعی بهره‌کشی گرفتار شدم.»

تلوزیون

العروبه شکایت از آزمون را پس گرفت عذرخواهی سردار پذیرفته شد

چالش میان سردار آزمون، ستاره ایرانی تیم ششبال‌الاهلی و باشگاه العروبه که در هفته‌های اخیر به دلیل اظهارات پس از قهرمانی در جام ریاست دولت امارات جنجال آفرین شده بود، پایان یافت. سردار آزمون اخیراً در مصاحبه‌ای رسانه‌ای اعلام کرد که احترام کامل برای باشگاه العروبه و هوادارانش قائل است و تأکید کرد که قصد توهین یا کم‌ارزش جلوه دادن این تیم را نداشته‌است. تیم ششبال‌الاهلی در کمتر از یک هفته، موفق به کسب دو جام مهم شد؛ ابتدا قهرمانی در لیگ ادنوک امارات و سپس فتح جام ریاست دولت که در هر دو فینال،

باشگاه الشارجه رقیب آنها بود. در همین راستا، باشگاه العروبه در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد عذرخواهی آزمون را پذیرفته‌است. این بیانیه در واکنش به سخنان پس از فینال جام ریاست دولت منتشر شد که برخی آن را توهین‌آمیز نسبت به باشگاه العروبه تلقی کرده بودند. در بیانیه العروبه آمده است: «هیأت مدیره باشگاه از این اقدام مثبت و صادقانه آزمون در ارائه عذرخواهی صریح و شفاف به هواداران، قدردانی می‌کند.» همچنین باشگاه العروبه در پایان بیانیه خود، بر لزوم پایبندی به اصول احترام متقابل میان باشگاه‌ها، بازیکنان و تمامی اعضای خانواده ورزشی تأکید کرد.



باشگاه الشارجه رقیب آنها بود. در همین راستا، باشگاه العروبه در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد عذرخواهی آزمون را پذیرفته‌است. این بیانیه در واکنش به سخنان پس از فینال جام ریاست دولت منتشر شد که برخی آن را توهین‌آمیز نسبت به باشگاه العروبه تلقی کرده بودند. در بیانیه العروبه آمده است: «هیأت مدیره باشگاه از این اقدام مثبت و صادقانه آزمون در ارائه عذرخواهی صریح و شفاف به هواداران، قدردانی می‌کند.» همچنین باشگاه العروبه در پایان بیانیه خود، بر لزوم پایبندی به اصول احترام متقابل میان باشگاه‌ها، بازیکنان و تمامی اعضای خانواده ورزشی تأکید کرد.

پرسپولیس پس از ناکامی فصل جاری با لیست تازه‌ای از بازیکنان و خروجی‌های بحث‌برانگیز وارد نقل‌وانتقالات شده است

پوست اندازی به سبک کارताल

نقل‌وانتقالات پرسپولیس شامل چهره‌های تازه، بین‌المللی و بحث‌برانگیز است

عالیشاه و امیری

اسماعیل کارताल قصد دارد از بین امید عالیشاه و وحید امیری یک نفر را نگه دارد. هر دو کاپیتان‌های اول و دوم تیم و از بهترین و محبوب‌ترین بازیکنان بین هواداران هستند. عالیشاه که چهره اول باشگاه در تبلیغات هم هست و حتی برای تبلیغات پر تعداد او اشعاری هم سروده شده است. در صورت جدایی عالیشاه اسپانسر باشگاه باید اشعار تازه‌ای را برای کاپیتان تازه بسراید اما کاپیتان فصل بعد پرسپولیس کیست؟

کاپیتان پرسپولیس ۰۴

صحبت‌هایی از خداحافظی وحید امیری به گوش می‌رسد. وحید در این فصل مجموعاً ۲۵ بازی انجام داده و ۳ گل زده و ۲ پاس گل هم داده است. او اما در ۴ ماه به‌دلیل مصدومیت ۱۶ مسابقه را از دست داد. عالیشاه اما فقط در ۱۹ بازی به‌میدان رفت و ۴ پاس گل را به نام خودش ثبت کرد. او ۲۱ بازی این فصل را به‌دلیل مصدومیت از دست داد. هر دو بازیکن در بازی‌های پایان فصل به تر کیب رسیدند اما گویا نتوانسته‌اند کارताल را متقاعد کنند که هر دو آنها را در لیست نگه دارد. اما کاپیتان فصل بعد پرسپولیس کیست؟ حسین کنعانی‌زادگان یا علی‌علی‌پور؟ تصاویر و اخبار اما حکایت دیگری دارند. شاید سروش رفیعی که امسال بیشتر از دیگران نقش کاپیتان تیم را در زمین و حتی رختکن ایفا کرد. او که گفته می‌شود مرد محبوب محمد یوسفی هوادار ثروتمند پرسپولیس است اما حالا مخالفانی هم پیدا کرده است. سعید صادقی که احتمالاً یکی از جدا شده‌های قطعی تیم است، بعد از بازی آخر برابر هوادار در پاسخ به سوال درباره آینده‌اش، خبرنگاران را به خالق هشتک «هرچی کارताल بگه» از جاع داد. که او کسی نیست جز سروش رفیعی که در آن زمان مشغول مذاکره با محمدحسین صادقی بازیکن جوان هوادار بود که مورد پسند کارताल قرار گرفت بود. به‌نظر می‌رسد سروش کاپیتان اصلی پرسپولیس فصل ۰۵-۰۴ باشد. ضمن اینکه بازیکنانی مانند فرشاد احمدزاده و حسین کنعانی‌زادگان که صحبت از جدایی آنها هست، به نظر فصل بعد نیز با لباس پرسپولیس در مسابقات حضور پیدا خواهند کرد. پرسپولیس فصل بعد به‌نظر تیمی است که قرار است امضای اسماعیل کارताल و فوتبال تهاجمی او را داشته باشد.



لیست متفاوت کارताल

اسماعیل کارताल از آن دسته مربیان کاریزماتیک است که اجازه دخالت در کارش را نمی‌دهد. سروش رفیعی هافبک باتجربه پرسپولیس در آخرین حرف‌هایش بعد از بازی با گل‌گهر در این رابطه گفت: خیلی واضح و صریح می‌گویم که از نظر شخصیتی، مربیگری و سبک کاری که آقای کارताल دارند، مطمئن هستم که او در مسیر درستی قرار دارد. یادم هست زمانی که پرسپولیس هشتگی به نام «هرچی براتکو بگه» داشت، هواداران خیلی زود به آن واکنش نشان دادند.

حالا همان حس را در مورد آقای کارताल دارم. هر چیزی که کارताल بگوید، هواداران به آن اعتماد دارند. سبک کاری او، نگاهی به باشگاه و هواداران و همچنین فشارهایی که بر بازیکنان وارد می‌کند تا بهترین عملکرد را داشته باشند، همه این موارد به شکلی است که هواداران بگویند «هرچی کارताल بگه.» هر چند این حرف سروش موجب ناراحتی برخی از بازیکنان هم شد اما گویا وضعیت در نقل و انتقالات چیزی شبیه این است. در این بین اما جذب مجتبی فخریان از شمس‌آذر و حفظ امید عالیشاه و وحید امیری که جزو برنامه‌های باشگاه هستند چالش‌های ابتدایی کارताल و پرسپولیس در مسیر رسیدن به فصل جدید است. از طرف دیگر در دست‌دقایقی بعد از پایان آخرین بازی تیم در لیگ‌برتر صحبت از انتقال دو ستاره سپاهان به این تیم شد؛ پیام نیازمند دروازه‌بان ملی‌پوش و رضا شکاری هافبک تهاجمی جوان سپاهان.

دود و دم در رختکن بارسلونا جشن قهرمانی با سیگار برگ

ویوشچک شرنی، دروازه‌بان لهستانی بارسلونا، به شیوه خاص خود قهرمانی در لالیگا را جشن گرفت. شرنی پس از پیوستن به بارسلونا در فصل جاری با قراردادی آزاد، به همراه این تیم قهرمان لیگ اسپانیا شد.

او پیش‌تر پس از جدایی از یوونتوس ایتالیا اعلام بازنشستگی کرده بود اما پس از مصدومیت مارک آندره تر اشتگن، دروازه‌بان آلمانی بارسلونا، پیشنهاد این تیم را پذیرفت و از بازنشستگی بازگشت. پس از پایان دیدار روز پنجشنبه مقابل اسپانیول که با پیروزی ۲برصفر بارسلونا به پایان رسید، شرنی در رختکن تیم دیده شد که در حال کشیدن سیگار برگ است. اگر چه سیگار برگ کشیدن در جشن‌های قهرمانی بین برخی ورزشکاران صحنه‌ای رایج است اما درباره شرنی این موضوع تازگی ندارد، چراکه در طول دوران حرفه‌ای خود، بارها به استعمال دخانیات اعتراف کرده‌است.او پیش‌تر در مصاحبه‌ای گفته بود: «من خیلی زود در این مبارزه شکست خوردم و عادت منفی در من شکل گرفت. می‌دانم که این عادت بدی است اما مشکل اینجاست که نمی‌توانم بر آن غلبه کنم. من الگوی خوبی برای جوان‌ها نیستم. به هر کسی که من را می‌بیند، می‌گویم: کاری را که من کردم، تکرار نکنید.» پیش‌تر نیز ویدیوهایی از شرنی منتشر شده بود که او را پس از پیروزی بارسلونا برابر رئال مادرید با نتیجه ۴برصفر در دور رفت لالیگا، در حال سیگار کشیدن در رختکن نشان می‌داد.



صحنه‌ای رایج است اما درباره شرنی این موضوع تازگی ندارد، چراکه در طول دوران حرفه‌ای خود، بارها به استعمال دخانیات اعتراف کرده‌است.او پیش‌تر در مصاحبه‌ای گفته بود: «من خیلی زود در این مبارزه شکست خوردم و عادت منفی در من شکل گرفت. می‌دانم که این عادت بدی است اما مشکل اینجاست که نمی‌توانم بر آن غلبه کنم. من الگوی خوبی برای جوان‌ها نیستم. به هر کسی که من را می‌بیند، می‌گویم: کاری را که من کردم، تکرار نکنید.» پیش‌تر نیز ویدیوهایی از شرنی منتشر شده بود که او را پس از پیروزی بارسلونا برابر رئال مادرید با نتیجه ۴برصفر در دور رفت لالیگا، در حال سیگار کشیدن در رختکن نشان می‌داد.



گروه ورزش | پرسپولیس خیلی زود نقل و انتقالات را آغاز کرد و دلیل آن هم این بود که سرخ‌ها خیلی زود فهمیدند که در این فصل دست‌شان به هیچ جامی نخواهد رسید. البته آنها تا آخرین روز تلاش کردند که به لیگ نخعبان برسند اما سپاهان در بازی آخر استقلال را شکست داد تا پرسپولیس بدترین فصل در ۱۰ سال اخیر را سپری کند. با این وجود آن‌طور که اسماعیل کارताल سرمربی ترکیه‌ای پرسپولیس اعلام کرد، باشگاه از چند هفته قبل کار جذب بازیکنان مدنظر او را آغاز کرده است.

بازیکنان ورودی

پرسپولیس فعالیت جدی را در نقل و انتقالات آغاز کرده است. لیست ورودی پرسپولیس اما یک لیست جالب و حتی توجه‌برانگیز است. تیوی بیفوما دقایقی بعد از پایان لیگ‌برتر به‌عنوان اولین خرید تیم با پیراهن سرخ عکس گرفت. مجتبی فخریان وینگر ۲۲ ساله شمس‌آذر نیز قبلاً به پرسپولیس پیوست. در اینجا نگاهی داریم به لیست ورودی و مورد نظر پرسپولیس: تیوی بیفوما (قطعی): مهاجم کنار اوینگر، اهل کنگو. ۳۳-ساله. انتقال از استقلال خوزستان.

مجتبی فخریان (قطعی): وینگر/مهاجم. ۲۲-ساله. انتقال تیم شمس‌آذر قزوین محمدامین کاظمیان (قطعی): هافبک. ۲۲-ساله. انتقال از الومینیوم اراک رضا شکاری (غیر رسمی): هافبک تهاجمی. ۲۶-ساله. تیم قبلی سپاهان پیام نیازمند (غیر رسمی): دروازه‌بان. ۳۰-ساله. تیم قبلی سپاهان محمدعمری (بازیکن سرباز): هافبک تهاجمی. ۲۵-ساله. بازگشت سربازی از ملوان مارتین بهیترگر (حدود ۴۰درصد): دفاع وسط. ۳۲-ساله. اهل اتریش. تیم آستریا کلاگن‌فورت

علی‌قلی‌زاده (حدود ۴۰درصد): وینگر. ۲۹-ساله. عضو تیم لنخ پوزنان صادق مجرمی (حدود ۴۰درصد): دفاع راست. ۲۹-ساله. عضو دیناموزاگرب مرت هاکان راندانش (حدود ۳۰درصد): هافبک تهاجمی. ۳۰-ساله. فنی‌برافچه فلورانس هادرژوناژ(حدود ۴۰درصد): دفاع راست. ۳۰-ساله.

آتالیا اسپور شهریار مغاللو (آغاز مذاکره) مهاجم. ۳۰-ساله. اتحاد کلبه‌ا امارات

بازیکن خروجی اما فقط لیست ورودی پرسپولیس جذاب و پر حرف و حدیث نیست. لیست خروجی مدنظر کارताल نیز مدتی است که حواشی متفاوتی را ساخته. امید عالیشاه (نامشخص): وینگر. ۳۳-ساله وحید امیری (نامشخص): وینگر/مدافع. ۳۷-ساله سعید صادقی (قطعی): وینگر. ۳۱-ساله. انتقال احتمالی به فولاد. گئورگی گولسیانی (قطعی): مدافع وسط. ۳۴-ساله. انتقال احتمالی به فولاد. الکسیس گوندوز(نامشخص): دروازه‌بان. ۲۹-ساله. ایوب الیگود (قطعی): مدافع راست. ۳۱-ساله. مسعود ریملو (احتمالی): هافبک دفاعی. ۳۴-ساله عیسی آل‌کثیر(احتمالی): مهاجم. ۲۵-ساله.

اشک‌آلود فقط می‌گوید: «حمیدرضا پشت نیوجرسی ایستاده بود که ناگهان یک خودرو با سرعت زیاد به نیوجرسی بر خورد کرد. شدت ضربه به قدری بود که حمیدرضا با شدت پرتاب شد...» سارا هر چند کلمه‌ای می‌گوید، به تازگانی می‌گوید: «سارا هر چند کلمه‌ای دعا گویم، به لحظه‌های پیش از حادثه‌ا من نه فقط سارا که جمعی بزرگ از روزنامه‌نگاران، عکاسان و دوستان نزدیک تال‌نگران وضعیت حمیدرضا بودند که سال‌ها در دوربینش راوی زخم‌ها، شادی‌ها و ریوندی‌های این سرزمین بوده‌است. در همان لحظات سنگین همه‌منظر خبری از بهیودی مردی بودند که عمرش را صرف ثبت لحظه‌های ناب‌مرمزش کرده بود. متأسفانه‌اما حمیدرضا شدت یافت بعد روی تخت بیمارستان در گذشت. اما این فقط یک حادثه تلخ نیست. بار دیگر بحث ایمنی در ورزش‌های موتوری کشور را به صدر اخبار بازگرداند. نبود موانع ایمنی استاندارد، فاصله کم رسانه‌ها با خط مسابقه و فقدان تدابیر حفاظتی مناسب از جمله مسائلی است که در پی این رخداد، مورد سؤال قرار گرفته است. این پرسش جدی مطرح است که آیا وقت آن نرسیده که استانداردهای ایمنی پیست‌های مسابقه در ایران بازنگری و اصلاح شوند؟ یا باید منتظر حوادث تلخ‌تری باشیم تا تصمیم‌گیران تکان بخورند؟

❖ پیستی برای قرار از مرگ، نه رقابت

پیست آزادی تهران به هیچ‌وجه استاندارد‌های ایمنی و فنی مورد تایید قدراسیون بین‌المللی اتومبیل‌رانی

ورزش ایران وجهان

| روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۰۴ | شنبه | ۲۷ اردیبهشت | ۱۴۰۴ |

مستطیل سبز

رئیس‌جمهور آمریکا فوتبال دنیا را به‌هم ریخت فوتبال اروپا علیه ترامپ و اینفانتینو

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا که به کشورهای حاشیه خلیج فارس سفر کرده، کنگره فیفا را به‌هم ریخت. دلیل آن هم جلسه طولانی‌مدتی بود که با جیانی اینفانتینو رئیس فیفا برگزار کرد. گزارش‌ها حاکی است تنش‌ها بین فیفا و یوفا پس از آغاز با تأخیر بیش از دو ساعته هفتاد و پنجمین کنگره فیفا در پاراگوئه شدت گرفت؛ تأخیری که به دلیل ورود دیر هنگام جیانی اینفانتینو رخ داد. به گزارش اتلتیک، رئیس فیفا به تازگی از سفرش به خاورمیانه بازگشته بود، سفری که همراه با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا انجام شده بود. مقام‌های یوفا اما آشکارا ناراضی بودند؛ الکساندر چفرین، رئیس یوفا، به‌همراه چند نماینده دیگر در اعتراض به آنچه «الگوی فرآیندهای از اولویت‌های مشکوک» خوانده شد، محل را ترک کردند. اشاره او به رفتار اینفانتینو است که مسائل مهم و اساسی مربوط به فوتبال را فدای مسائل شخصی می‌کند. یوفا در بیانیه‌ای کم‌سابقه، تغییرات دقیقه‌نودی در برنامه را عمیقاً تأسفیرانگیز توصیف کرد و اینفانتینو را به در اولویت قرار دادن منافع سیاسی شخصی نسبت به اداره جهانی فوتبال متهم کرد. هر چند اینفانتینو تاخیر را به مشکلات پروازی نسبت داد اما نزدیکی آشکار او به ترامپ — به‌ویژه در بحبوحه مذاکرات حساس درباره میزبانی جام جهانی ۲۰۳۴ در عربستان سعودی — ناراضیتی گسترده‌ای در میان سران فوتبال اروپا برانگیخت.

❖ یوفا متهم می‌کند

در حالی که یوفا، جیانی اینفانتینو را متهم کرد که منافع سیاسی شخصی را در اولویت قرار داده است، اینفانتینو گفت سفرش پیش از کنگره ضروری بوده، چراکه این فرصت را فراهم کرده تا نماینده فوتبال در گفت‌وگوهای مهم با رهبران سیاسی و اقتصادی جهان باشد. در آن سو و در اعتراض به تأخیر این مقام ۵۵ ساله سوئسی-ایتالیایی، الکساندر چفرین رئیس یوفا، همراه با گروهی از نمایندگان اروپایی و همچنین رئیس اتحادیه فوتبال انگلیس، دبی هیویت، در زمان استراحت کنگره، جلسه را ترک کردند. در نتیجه، هنگام ازسرگیری جلسه در مرکز همایش در پاراگوئه، صندلی‌های خالی به‌وضوح قابل مشاهده بودند. فوتبال اروپا اعلام کرد: «کنگره فیفا یکی از مهم‌ترین نشست‌های فوتبال جهان است، جایی که نمایندگان ۲۱۱ کشور عضو گرد هم می‌آیند تا درباره مسائل کلان و جهانی فوتبال تصمیم‌گیری کنند. تغییر برنامه تنها برای هماهنگ شدن با آنچه به نظر می‌رسد منافع سیاسی شخصی است، به فوتبال خدمت نمی‌کند و نشان می‌دهد که منافع فوتبال در اولویت دوم قرار گرفته. ما همگی در این پست‌ها هستیم تا به فوتبال خدمت کنیم — از خیابان تا سکو — و اعضای یوفا در شورای فیفا در این مورد احساس کردند که باید نشان دهند اولویت با خود فوتبال است و بنابراین جلسه را طبق برنامه قبلی ترک کردند.»



حاشیه

با پیام صلح و دوستی و پاسداشت هویت ایرانی

سفر ۹۰ کیلومتری سفیران خلیج فارس از فارور تا کیش



رویداد ملی سفیران خلیج فارس با هدایت پیشکسوت قایقرانی گیلان و پارورنی ۹۰ کیلومتری از فارور تا کیش بر گزار خواهد شد. منطقه آزاد انزلی با محوریت معاونت فرهنگی، اجتماعی و گردشگری و با هدایت عسمران پورعسکرپرست، پیشکسوت قایقرانی اهل بندرانزلی، از سواحل دریای کاسپین به رویداد ملی سفیران خلیج فارس خواهد پیوست. این رویداد ورزشی ملی در ادامه سلسله پیمایش‌های دریایی انجام شده در دریای کاسپین و با هدف پاسداشت هویت ایرانی خلیج فارس در نیمه اول خرداد ماه سال ۱۴۰۴ در خلیج همیشه فارس برگزار می‌شود. در جریان این رویداد ورزشی، قایقرانان مسیر ۹۰ کیلومتری، سخت و پرچالش جزیره فارور تا جزیره کیش را طی دو روز پارو خواهند زد؛ اقدامی که نشانه عزم، همبستگی و قدرت جوانان ایرانی در پیوند فرهنگی میان دریاهای شمال و جنوب کشور است.

پونه نیکوی، معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری منطقه آزادانزلی، درباره این برنامه گفت: «پارورنی از فارور تا کیش، تنها یک اقدام ورزششی نیست؛ بلکه سفری نمادین و الهام‌بخش در راستای حفاظت از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی ایران اسلامی و برای اتحاد ملی است. ما مفتخریم که در انجام این اقدام ورزشی بزرگ نهد‌هایی همچون نیروی دریایی سپاه، دبیرخانه شورایعالی مناطق آزاد کشور، منطقه آزاد انزلی، منطقه آزاد کیش و همچنین پارورزان بر جسته کشور با یکدیگر مشارکت و همکاری خواهند داشت.» وی افزود: «کاروان مسابقه آزاد انزلی با پیام صلح، دوستی و هویت ایرانی و با شعار سفیران کاسپین تا خلیج فارس راویان خرمشهر به‌عنوان پلی میان دریای کاسپین و خلیج فارس در این رویداد حضور می‌یابد.»

امدادی آموزش دیده و مجهز نیز فاجعه را تشدید کرده است. تا زمانی که زیرساخت‌های حفاظتی چندلایه، گاردریل‌های جذب انرژی و پروتکل‌های ایمنی مدرن پیاده‌سازی نشود، برگزاری مسابقات در پیست آزادی ریسک جانی بسیار بالایی دارد و فاقد صلاحیت میزبانسی ریسک جانی بسیار بالایی حتی در سطح ملی است.



(FIA) و ندارد و میزبان مناسبی برای مسابقات سرعت نیست. یکی از حیاتی‌ترین ضعف‌های این پیست، سیستم حفاظتی و گاردریل‌های آن است که از نظر طراحی و عملکرد، کاملاً ناکافی و خطرناک هستند. برخلاف استانداردهای روز دنیا، گاردریل‌های پیست آزادی فاقد سیستم‌های جذب انرژی مدرن مانند SAFER Barrier یا TechPro هستند؛ این نوع گاردریل‌ها چنده لایه طراحی می‌شوند تا انرژی برخورد را به‌صورت کنترل‌شده جذب کرده و از شدت ضربه بکاهند، اما در آزادی گاردریل‌ها سخت، یک‌لایه و فاقد هرگونه سیستم جذب ضربه‌اند، که موجب می‌شود خودروها پس از برخورد نه فقط متوقف نشوند، بلکه با شدت بیشتری به بیرون پرت شده یا باعث پرت شدن افراد کنار مسیر شوند.

علاوه بر این، پیست آزادی فاقد پروتکل‌های حفاظتی چندلایه است؛ در پیست‌های استاندارد، علاوه بر گاردریل، فضای فرار (Run-off) وسیع، موانع نرم کننده ضربه، حصارهای محافظ مخصوص عکاسان و مارشال‌ها و سیستم‌های هشدار الکترونیکی وجود دارد. این لایه‌های حفاظتی به صورت تجمیعی‌ای عمل می‌کنند تا در صورت بروز حادثه، آسیب به حداقل برسد. اما در پیست آزادی، نبود این لایه‌های ایمنی موجب شده در حادثه‌ای مستقیم و با شدت بالا به افراد و خودروها آسیب برزند.

ضعف در اجرای پروتکل‌های ایمنی و نبود نیروهای



